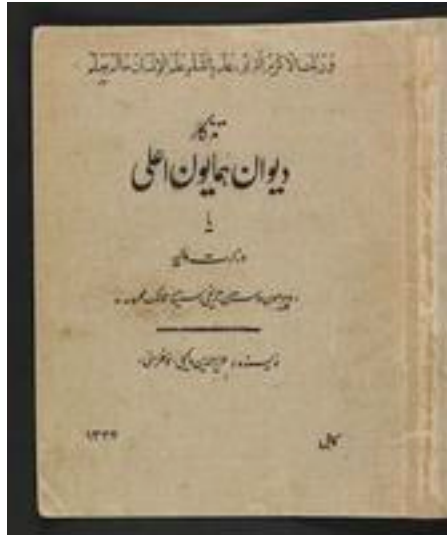


[Afghanistan Digital Library](#)

adl0971

<http://hdl.handle.net/2333.1/nk98sgr1>



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ

الاول

تذکار
دیوان ہمایون اعلیٰ
یا

وزارت مالیہ

۔ دیوان ہمایون داستان تاریخی استیفاء ممالک محروسہ ۔

نویسنده: عزیزالدین وکیل۔ فوغلزائی۔

۱۳۳۶

کابل

تشکر

از الطاف والاحضرت سردار محمد داؤد صدر اعظم که بنده را در راه
خدمات عرفانی کشور تشویق و تلقین فرموده اند و از التفات بنی‌اعلی‌ عبدالملک
عبدالرحیم زی وزیر مالیه که خواهش مؤلف را در نشر رساله دیوان‌اعلی‌
در اخبار ثروت و هم بصورت رساله علی‌حده منظور داشته‌اند عرض شکر آن
میدارم.

و از معاونت‌های معنوی و مساعدت‌های اخلاقی ایشان که درین باره می‌پذول
داشته‌اند مجدداً مراتب قدردانی خود را تقدیم میکنم.

عزیز الدین

ثبت است در سفینه دانشوران دهر
از فیض رشحه های قلم ماجرای ما

تذکار

دیوان همایون اعلی

یا

وزارت مالیه

«دریبراهون داستان تاریخی استیفاء مما لك محرر و سه»



نویسنده: عزیزالدین و کیلی «فوقرائی»

تاریخ طبع

برج اسد ۱۳۳۴ش

تعداد طبع

۵۰۰ جلد

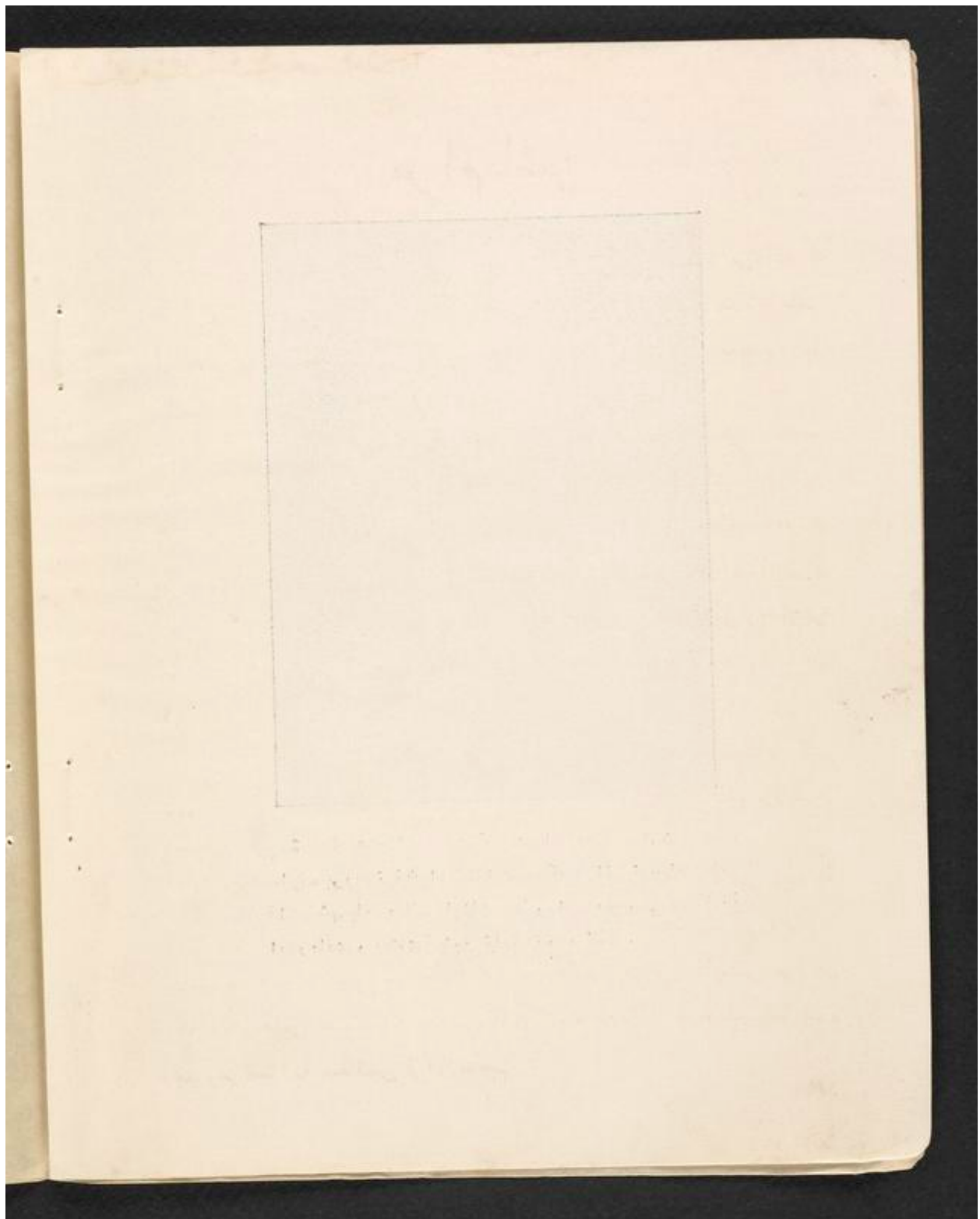
یاد آوری

هنگامی که يك سلسله كتب تواریخ وطن را برای در یافت مضمون رساله دیوان اعلی تحت غور و مطالعه قرار داده بودم و هنگامی که اسما رجال معظم و مشهور افغانستان را تجسس میکردم اشخاص صاحب مرتبه و حیثیتی که در ادوار ماقبل در وطن عزیز مصدر خدمات بزرگ شده بودند حین مطالعه بنظر مؤلف (خیلی ها) برخوردند ولی در رساله تا ریخ دیوان اعلی [یا وزارت مالیه افغانستان] که در معرض مطالعه علاقمندان قرار میگردد خاص درباره وزراء و کار پردازان آن میخوانم حرف بزنم و از نامهای بیشتر اشخاص تاریخی اگر شرحی نه بسته ام مطالع محترم ملتفت باشد که درین رساله از کسای نام می برم که با شهرت مملد دیوان اعلی مملکت ارتباط خاصی داشته اند و با اعتبار اسناد معتبر خطی و كتب تواریخ بحقیقت پیوسته اند و از لحاظیکه نگارش بنده درین رساله از اصل مطلب تواریخ وزارت مالیه عدول نکند از تذکره احوال سائر رجال قبایل قدر محض بسبب رفعت طوالت مضمون منصرف شده ام و معذرت نگارنده را که با حیات نام گذشتگان نامی و وطن علاقه مفراط دارم در این اثر آنچه از اسماء و یا کار نامه های اشخاص تاریخی که در نظر ارباب معرفت جلوه نمیکند اعتبار بنده را بکمال لطف پذیرفته باشند.

عزیز الدین



بندۀ خدا اعلیٰ حضرت المتوکل علی اللہ محمد ظاہر شاہ پادشاہ
معارف پرور و ترقیخواہ افغانستان کہ در اثر توجہات خاص
ذات شہریار معظم ایشان تطورات محسوسی در کلیتہ
امور مادی و معنوی کشور تبارز نموده است .



مرام ناشر

مدیریت جریده ثروت وزارت مالیات خود را خیلی مسعود می داند که در طول مدت یکسال نشراتی خود علاوه انتشار مضامین متعدد علمی و حقوقی و اقتصادی و مالی و... به طبع و نشر رسایل و کتب مفید و قابل تذکر نیز گاهی بی های بی دربی نصیب او شده میرود.

طبع کتاب اقتصاد رهنمائی شده پایان نیافته بود که کتاب مختصر تجارت بین المللی را بغرض استفاده علاقه مندان از ما شین کشیدیم و هنوز این کتاب صحافی نه شده بود که رساله تاثیر عدالت در استفاده از منابع مالی و اقتصادی بچاپ رسید و آنهم توزیع نه شده بود که رساله مفید (دیوان اعلی و با تاریخ وزارت مالیه) تالیف و تتبع شباغلی عزیز الدین و کیلی « فوفلزائی » مدیر آرت و خطاطی مطابع هم در اخبار ثروت و متعاقب آن بصورت رساله علیحده از طبع بر آمد.

این رساله حاوی مطالب تاریخی مالی و حسابی از عصر احمد شاه کبیر تا دوره سلطنت اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظا هر شاه پادشاه محبوب افغانستان است.

البته آن هائیکه به علم و فرهنگ علاقه دارند مطالعه این رساله بی سابقه را از خدمات فرهنگی وزارت مالیه بحساب خواهند آورد و ما را بیشتر تحریص و تشجیع خواهند کرد تا در آینده خوب تر و بیشتر بتوانیم که آثار علمی مفید سایر نویسندگان مملکت را به طبع رسانیده و معروض مطالعه مطالعین قرار بدهیم.

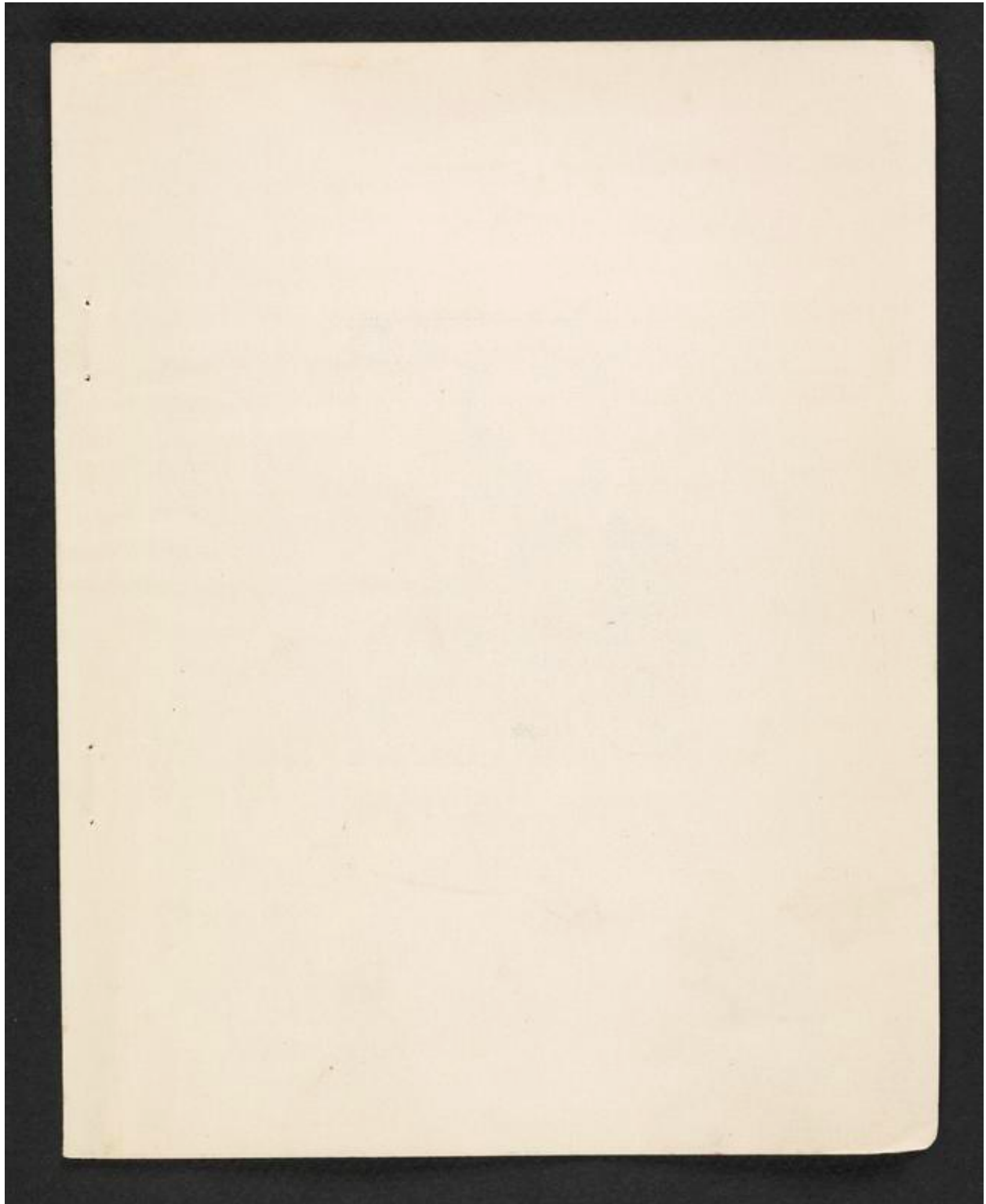
ما بنوبه خود خدمات علمی جریده ثروت را مرهون رهنمونی های
علمی و مسلکی جناب عبدالملک وزیر مالیه دانسته و افتخار مینمائیم که
ایشان موظفین جریده ثروت را در انتشار آثار و رسایل و کتب مفید
تقویت می بخشایند و آن هارا از روی لطف اثری میدهند که آرزوهای
نهفته خود را آشکارا ساخته میروند و خدمات علمی خود را روز بروز
در انتظارین فرهنگ و معرفت بروز میدهند.

مرا م یگانه ماطیع و نشر مفعوره های علمی تر یسندگان و مؤلفین
کشور بوده و آرزو مندیم که مشتاقان علم پس از اکتساب و مطابقه
نشرات مطبوعه جریده ثروت آنچه را در زمینه انتشار کتب و رسایل خوب تر
و بهتر بیندارند ما را به نقص اجراءات و کردار و بیندار ما ملتفت بسازند که
خوب تر و بهتر مصدر خدمات علمی بمملکت عزیز گردیم.

محمدیونس حیران مدیر ثروت



ښاغلي سردار محمد داؤد صدر اعظم يا اراده
افغانستان که درايام تصدي حکومت شان، مملکت
عزيز از هر ناحیه مدارج ارتقا را پيموده ميروند



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

وزارت مالیه خوشبخت است که در طی مراحل دوسوده سال حیات تاریخی خود در کشور عزیز افغانستان دواثر توجه بهی خواهان مملکت در عصر زمامداری والا حضرت سردار محمد داؤد صدراعظم و عبد الملك عبدالرحیم زی وزیر مالیه به نشر اخبار زیرمه «ثروت» موفّق میگردد و مقام باقامی را که در عرصه دوسوده سال مصدر بزرگترین خدمات کشوری و اشکری شده است مراتب در یکی ادوار مترقی او را به همگان می شناساند.

وزارت مالیه و با مقامی که بدو نام دیوان هما یون اعلیٰ بسر داشت در مملکت عزیز به تصور اکثر کسان از ۳۶ سال باینطرف آغاز میشود ولی نام این وزارت و اساس آن هنگامی را بیاد میدهد که جهان کشایان قومی افغان در آغاز سلطنت درانی و افتتاح این وزارت اولین بار از زحمات سفر کشور هند و بخارا و مشهد در قندهار راحت جسته و در پی زیبایی مملکت افغانستان و رونق افزائی حصار عاقبت خه بشتنان در قندهار برآمده بودند.

سعادت وطن از آن قیاس میشود که وزارت مالیه بوسیله اخبار زیرمه «ثروت» میتواند از یکطرف در امور دانش و فرهنگ و بلند بردن سربّه افکار عامه و تولید منابع ثروت و توسعه شعب تجارت و تسهیل

(۲)

امور زراعت خدمت کنند و از طرف دیگر درز و ایای تسارین معاصر
افغانستان برای روشن گردانیدن بعضی نکات مهم و احیاء خاطر آن
بزرگ خود و بوجود آوردن سر نوشت اشخاص قابل قدر مملکت کمک
نماید و امید واری بیشتر از آن معلوم میگردد که اختیار ثروت روز اقتصاب
و طرز العمل های ادوار تاریخی خود را متدرجاً روی صفحات خویش
در محضر مطالعه ارباب ذوق ابضاح و اعلام میکنند.

وزارت مالیه که نخست در مملکت عزیر ما بنام دیوان اعلیٰ بوجود
آمده است خاطرات دوسده سال قبل خود را فرا موش نمی کنند و اسم
مؤسس و اسماً سامی متصدیان بزرگ خود را که بچه نام ها و بیکدام
عنوان ها و بچه زحمات در رأس این مقام بزرگ عهده و زارت و مراتب
خدمت بسر کرده اند به ما می شناساند و در پهلوی وظائف اداری خدمات
سیاسی، عسکری، عرفانی و جان نثاری های او شائرا با بنای وطن نیز
خاطر نشان میکنند.

اختیار زیرمه «ثروت» افتخار دارد و افتخار می بخشد که توسط
نشریه های مفید اولین بار چه در صفحات خویش و چه در نشریات جداگانه
از وزراء و همکاران اوای و ثنائی خود بقدر دانی نام می برد که هم
خدمات وزارت مالیه را در ادوار مختلف واضح مینماید و هم از سال تاسیس
تادم حاضر عده رجالی را که با داشتن این عهده خدمات دیگری هم در راه
خیر و سعادت وطن بجا کرده اند از سلسله اسماً ایشان توضیحات مستند
و قابل قدری می دهد و معلومات سرد مندی را بغرض استفاده مردمانی که
آرزو مند استماع داستانهای شکوه و عظمت زندگانی پدران خودند
در معرض طبع و نشر تقدیم میکند.

ع: و کیلی

(۳)

وزارت مالیه در عصر

اعلیحضرت احمد شاه کبیر

در سنه ۱۱۶۱ قمری که اعلیحضرت احمد شاه غازی شهنشاه تاهی
افغان تاج خسروی بر سر و قام آزادی کامل بر مملکت گذاشت آدم
افغانستان با تصاحب استقلال سیاسی و تاج و تخت شاهی و حصول موقع
مساعدت توانست که به تشکیل اساسات یک سلطنت قاهر و قائم پردازد و در اثر
اقتدار کامل از کشورها باج ستاند و به افسرها تاج بخشید.

چون وجود وزارت مالیه که در یک مملکت از حیث دارائی امور مالی
اقتصادی، زراعتی و تنظیم دخل و خرج و عوائد و مصارف مملکتی و اخذ
خراج از بلاد متسلطه هندو ایران بمرتبه اول ضرور بود نظر به کثرت

توت در سال ۱۱۶۲ قمری در سال دوم سلطنت اعلیحضرت احمد شاه کبیر در حمله سوم اعلیحضرت
ممدوح بر لاهور جن و رسول همدرانجا با میرمنو معین الملک جنگ خفیفی بوقوع پیوست
و در اثر قوت و شدت لشکر احمد شاه درانی بصلح انجامید در نتیجه اعلیحضرت احمد شاه
کبیر باراضی متصرفه نادر شاه افشار تر کمان فعلا اکثفا کرد و مالیات سنبل کوت و کچرات
اورنگ آباد و پسرپایه امرتسر هر چهار محال را بر عهده میرمنو گذاشت که پسبیل
استمرار بکاربرد از ان دولت سیارد و خود اعلیحضرت احمد شاه بعد از تمهید ساختن میرمنو
به پرداختن مالیات هر چهار محال جا نیکابل و قندهار رایت مراجعت افراشت.
از جمله مالیات عصر اعلیحضرت احمد شاه کبیر شکارپور در سال شش لک روپیه با اجازه
عبدالحق خان سدوزانی بود که همدساله به دیوان اعلی شاهی تحویل میداد و در اثر
باقی دهی همین اجازه شش لک روپیه کیفیات او بجائی رسید که در سنه ۱۱۸۶ قمری مصدر
بزرگترین فتنه گردید و ماجرا عجیب او در وقایع جلوس تیمور شاه در کتاب موسوم به
تیمور شاه درانی اثر بنده مفصل نگاشته شده است.

(۲)

گرفتماری و فیکر کشور کشائی اعلیحضرت احمد شاه غازی شهنشاه معروف
و مدبر افغان و وظائف حربی که در بدو سلطنت به سه نفر وزیر با تدبیر
اوسپرده شده بود چهار سال عهده این وزارت در حال ابتدائی تحت اثر
یکنفر میرزا باشی اداره شد که تا آن دم شکل و زارت و زما مداری هم
به مرتبه وزیر نداشت میرزا باشی دران حال با عده ای میرزایان محاسبت
به کلیت امور محاسبات مملکت و ارسی می کرد که میرزا باشی آنوقت
از سنه ۱۱۶۱ قمری الی ۱۱۶۵ قمری شاه پسند خان قوم اسحق زائی و آن
شخصی که قبل از سلطنت اعلیحضرت احمد شاه درانی در قطار ده نفر زعم
قبائل قندهار محسوب میشد اداره گردید و کلمه شاه پسند هم لقب او بود
که از طرف اعلیحضرت احمد شاه غازی برایش داده شده بود و اسم او
شاه پسند نبود مثل شاه ولی شاه دوست جان نثار سرفراز و وفادار و امثالهم.
در او اخر سنه ۱۱۶۵ قمری پس از راحت زحمات سفر همد و عودت از فتح
کشمیر با مرور اراده سنیه اعلیحضرت غازی احمد شاه کبیر نظر به کثرت ذخائر
جنسی و روز افزونی خزائن نقدی و معاش و مصارف دولتی و تقنین دخل و خرج
مملکتی و تعیین جایگزین امراء قبائل و افراد اشکر و ما مورین و غیره
وزارت مالیه را بنام [دیوان همایون اعلی] بناء گذاشتند که مؤسس
و متصدی اول دیوان اعلی یا وزارت مالیه در افغانستان همان مرد مدبر و
سیاسی افغان سردار عبداللہ خان فو فلزائی اولین فاتح شهر سرهند
در ۱۱۶۲ قمری بود که بقول صاحب تاریخ افغانه و صاحب تاریخ احمد شاه
درانی در اردو کشی اول احمد شاه بصوب هندوستان بحیث یک افسر بزرگ

(۵)

نظامی به لقب اردو باشی [رئیس اردو] در دفعه اول شهر سرهند را به مملکت
افغانستان الحاق کرد و بقول صاحب کتاب سیر المتأخرین و صاحب خزانه عامره
[تذکره الشعراء هند] رجوع مع المتواریخ و تاریخ احمدی و سلطانی اولین
فاتح و فرمان فرمای کشمیر در ۱۱۶۵ قمری بود که بجائزه هردو خدمت
ذی قیمت عنکبری که ۱۲ هزار سوار درانی بطور دائمی در تحت رایت او بود
توانست که باین عهده رفیعه در رأس دیوان اعلی ارتقا یابد و از آن تاریخ
باهر وزارت مالیه و وزارت عدلیه و تجارت و گمرکات و خزائن که
هر یک جزء وظائف و تشکیل وزارت مالیه در آن روز بود ادامه دهد [۱]
و مستوفیان را از هند تا خراسان و از بخاراستان تا بلوچستان در تحت اثر

نوت: در سال دهم سلطنت اعلیحضرت احمد شاه کبیر و یورش پنجم شاه موصوف
بجانب لاهور و هند در سنه ۱۱۷۰ قمری که از قندهار برای کابل مرحله بیمای صوب لاهور
کردید بعد از وصول و اقامه چندی در لاهور وقت که در دهلی رسید پس از توقف یکماه
در آنجا در خلال احوال مذکور صلاح و صواب دید اعلیحضرت عالمگیر ثانی شهنشاه مغلی
هند و وساطت سردار جهان خان فوغلزائی سیه سالار مبلغ پنجاه لک روپیه برسم و اسم
پیشکش از نظام الدوله یسرفهر الدین خان وزیر الاما لک مطا لیه گردید و بشرط تقدیم
آن منصب وزارت کشور هند را بوی مرده دادند.

نظام الدوله از دون همتی و خست طبع قبول نکرد مجرم خان که از جمله خواجہ سرا یان
بارکامه اعلیحضرت احمد شاه درانی بود مامور تجسس تقدیمه وی گشت و بعد از آنکه تمام
اندوخته و دقت او را از نمود فرا حساب کنار برد از آن دولت ده کروڑ روپیه عنایه
خزینة دیوان اعلی مملکت گردید.

(۱) ضرایحانه در عصر سلاطین سدوزائی عنوان زرگر خانه داشت و زرگر باشی
لقب رئیس او بود که تحت اثر دیوان اعنی مثل امروز بر وظیفه مسکو کات طلا و نقره
رسیده گی می کرد.

(٦)

همین عنوان اداره نماید. دارنده این وزارت در دفعه اول در قفسه هاتر به عنوان دیوان بیگی [امیر دفاتر] قرار یافت که اینک شواهد ذیل را از تشکیل آنوقت حکومت ایران بطور مقائسه و مثال باهم می نگاریم :

سرجان مالکم مورخ انگلیس درباره قواعد مالییه در ایران و روابط وظایف دیگر مربوط دیوان اعلی می نویسد که : قواعد مالییه در ایران بر دو نوع است یکی روی کتب که در جمیع ممالک اسلام جاریست و محکمه دیگر هست که آنرا محکمه عرف گویند [وظایف قضائی جزائی امور شرعیه را نیز با اداره مالییه و آمر آن منسوب کرده می گویند] امر قتل را به شرع رجوع کرده بعد از ادای شهادت و فتوای شیخ الاسلام حکم را جاری می کنند قبل از سلطنت نادرشاه افشار آمر محکمه را صدرا الصدور و دیگر از صاحب منصبان محاکم عدلی ایران را هفتی می نامیدند در ایام صفویه دیوان عدالت دیگر داشتند و کسی را که بران مقرر بود [دیوان بیگی] می نامیدند و هر قتل و سرقت که در پای تخت و جمیع ممالک محروسه واقع میشد باستحضار وی انجام می یافت منقول است که فیصله و حکم چهار امر مخصوص [دیوان بیگی] بود علاوه می کنند که حکم قتل و هر گونه جزای بزرگ که سابق از صلاحیت پادشاه بود بوزکالت خویش شخصی را که بدان عهده بر گماشت دیوان بیگی اقب داد «ص ۱۵۳ باب ۲۳ تاریخ سرجان مالکم»

جناب میر هوتک خان افغان شاعر معاصر اعلی حضرت تیمور شاه مطلق مضمون سرجان مالکم در رثای دیوان بیگی افغانستان چنین می گوید :

چو دیوان بیگی از دار فنا رفت	نمودند از غمش پیرو جوان حیف
لقب بودش وکیل الدوله از شاه	میرس از اعتبارات جهان حیف
چو او می بست بار رحلت از دهر	زمین افسوس می گفت آسمان حیف

(۷)

تکلیف نده بقرار نوشته سرجان مالکیم مؤرخ انگلیس که در باره احوالات
ایران پرداخته است بغرض تثبیت عنوان وزیر مالیه و تعیین مقام آن در عهد
سلاطین معظم سدوزائی افغان و مقائسه با تشکیلات ممالک همجوار و سلطنت
های همعصر آن می پردازم زیرا که در عهد سلطنت اعلیحضرت احمد شاه کبیر
به لقب خان علوم؛ خان ملاخان [۱] قاضی القضاة شیخ الاسلام سدر الصدور
مدارالمهام امین محکمه معادل وزیر عدلیه در امروز شناخته شد و در نقشه
شهر احمد شاه قندهار که اثر مستمند و ماخذ خیالی معبر است
جز عمارت دیوان اعلی و دفتر خانه خاص که دارالتحریر شاهی آنوقت
بود منزلی بنام محکمه و یا با صلاح آنوقت قاضی خانه ملاحظه نشد اصح
روایت اینست که امور وزارت عدلیه جزء تشکیل دیوان اعلی مملکت بود
که امور وزارت عدلیه و باره وظائف وزارت داخله و کمرب و تجارت مثل
سائر امور محاسبات دولت در تحت اثر شخص دیوان بیگی و دیوان اعلی
[وزارت مالیه و عدلیه] قرار داشت و سرجان مالکیم علاوه می کنند که
معاملات قتل اشخاص که قبل به پادشاه تعلق داشت بعداً به کالت پادشاه
شخص دیگری که اجرامی نمود لقب او دیوان بیگی بود یعنی قوه اجراییه
و جزاییه بدون از دیوان اعلی و برون از اقتدار دیوان بیگی بود و هیچ فرمان

(۱) در عصر اعلیحضرت دوست محمد خان و بعد از ان همین لقب خان ملاخان و خان
علوم در مملکت رواج داشت مثلاً ملا محمد سید خان یار کرانی از عصر شاه محمود سدوزائی
تا اینوقت بحیث قاضی القضاة و خان علوم شهرت داشت و بعد از وی قاضی عبدالرحمن خان
خان علوم مقرر گردید و پسرش قاضی عبدالسلام خان قاضی قندهار بود و بعد از وی قاضی
سعدالدین خان بن قاضی عبدالرحمن خان بقضای قندهار مقرر شد.

(۸)

و مدارك خطی هم كه از آغاز عصر سدوزائی تا انجام بازمانده است بعنوان
دیگری تصریح و تثبیت نس کرده است كه معاملات حسابی و اداری كشور
جز این اداره به شعبه دیگر و یا شخص دیگری ارتباط داشته باشد مثلاً در عصر
حاجت در اصول اساسی دولت علیه افغانستان محكمه بنام دیوان عالی بعضاً
برای محاكمه وزراء دولت عند الاقتضاء مؤقتاً تشكيل می یابد و بعد انجام
امور بكه با وسپرده می شود فسخ می گردد و در عصر سدوزائی این محكمه نیز
جزء دیوان عالی مملكت بود كه بركات پادشاه و بجای رئیس محاكمات
دولت آمریزرگ دیوان عالی محاكمه اشخاص بزرگ و ادر دیوان عالی
دائمی ساخت و بعد انجام محاكمه جزاء لازم را به شخص مسئول میداد
ولی در عصر حاضر در قانون اساسی دولت این محكمه را مؤقتاً امر دائر شدن
فرموده است و در آن وقت بطور دائمی تحت اثر دیوان عالی یا دیگر محاكم
عدلی و امور دیوان مالیه اداره میگردد.

در عهد سلطنت اعلی حضرت احمد شاه غازی سردار عبدالله خان فوفلزائی
دیوان بیگی در رأس قاضی خانه [محكمه شرعی] رعدۀ مستوفیان و مستاجران
و اشكر نویسندگان جزائر چیان و شهنشاهخانه و قورخانه و جبهه خانه و دفتر
خانه از قبیل دفتر خالصه دفتر مراجع دفتر اسناد و باصلاحات طوهار
و روزنامه و غیره ۳۰ سال باین عهد رفیعۀ قیام داشت و عنوان وزارت مالیه
در اسناد خطی بنام [دیوان عالی] و لقب وزیر مالیه كه سائر امور اداری

نوت: در ادوار گذشته دفاتر دیوان اعلی بنامهای دفتر خاصه دفتر خالصه دفتر مراجع
دفتر حساب دفتر اسناد دفتر تالیفات دفتر را عداوی دفتر روزنامه دفتر ثبت
دفتر انشاء یاد میشد.

(۹)

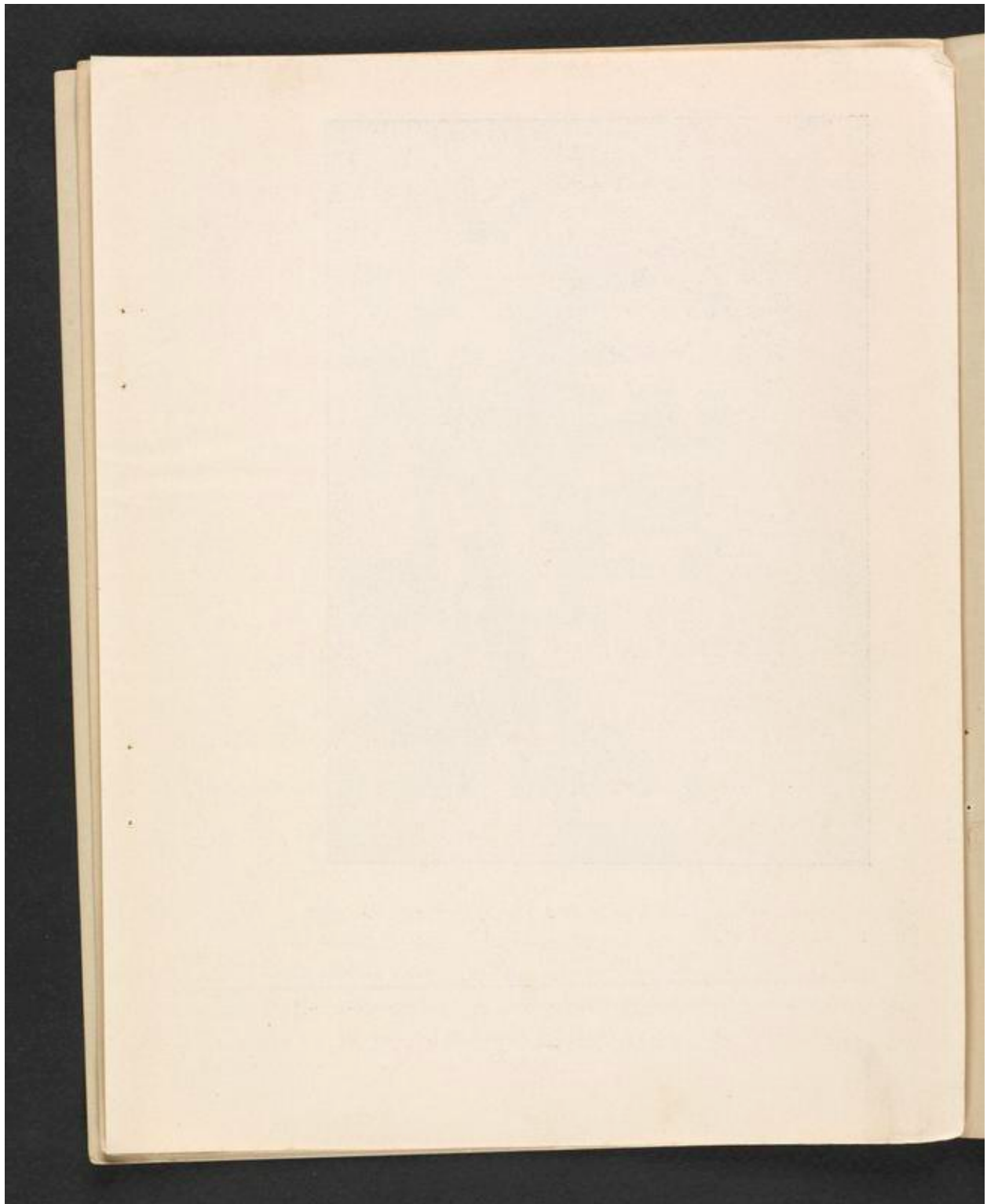
کشور نیز بدو تفویض و جزء همین اداره بود [دیوان بیگی] تأمید شد و از روی نفوذ اداره و کفایت شخص اخیراً به [وکیل الدوله] ارتقا یافت و نام او در نقشه تعمیر شهر قندهار [منطبعة] کتاب تیمور شاه درانی به مستوفی الممالك و وکیل الدوله در سنه ۱۱۸۰ قمری سال نوزدهم سلطنت احمد شاه کبیر شناخته شده است و کتابی هم که بنام قنای احمد شاه در علم فقه و زبان ملی پشوتو تالیف کرده است مراتب علمیت مرحوم را در علوم شرعیه نیز ثابت و قول نگارنده را تأیید میدارد دیوان دیدری که بزبان ملی پشوتو بعض اشعار فارسی تصنیف کرده است قدرت او را در هر دو زبان ثابت میکند که شاعر متوسط و متصوف هم بوده است یکی از حکایات مشهور آن مرحوم اینکه اعلیحضرت احمد شاه غازی بر ای او لقب چهار نادر خان بخشیده بودند چون اسمش عبدالله بود از آن لقب در گذشت و به لقب چهار نادر معروف شد چنانچه در مقاطع اشعار خویش در پشوتو و فارسی اسم خود را عبدالله می نویسد و در مقاطع اشعار بطور عموم مثل اعلیحضرت احمد شاه کبیر که عوس تخلص در اشعار خویش احمد شاه می نویسد - اعلیحضرت تیمور شاه و شاه شجاع نیز از داشتن تخلص اباورزیده اند این شخص نیز اسم عبدالله را به تخلص و لقب مبدل نکرده است :

[ادوار دالایس پیرس] مؤرخ انگلیس با استناد کتاب فریر در مقدمه کتاب عروج بار کزائی اثر خویش از جناب موصوف بنام عبدالله خان «سرقبیلۀ فوفلزائی» دو بار اسم می برد چنانچه از قول فریر معلوم میگردد که دیوان بیگی مرحوم کتابی هم در تاریخ عشائر درانی نوشته باشد چون

وکیل الدوله



جناب سردار عبدالغنی خان مرحوم (قوم فغانزائی) دیوان بیگی مشہور در کنر کین سلطنت
احمد شاہ کبیر۔ مؤسس (دیوان ہمایون اعلیٰ) یا وزارت مالہ و عدلیہ در افغانستان
شخصی کہ علاوہ پر خدمات عسکری مدت نزدہ سال بعنوان دیوان بیگی و وکیل الدولہ
در عہد شہنشاہ موصوف و ۱۲ سال در عہد سلطنت اعلیٰ حضرت تیمور شاہ بعنوان وکیل الدولہ
در رأس تمام امور اداری کشور قرار داشت۔ (متملق صفحہ ۱۰۔ رسالہ دیوان اعلیٰ)



(۱۰)

خدمات او با سوانح مختصرش باذکر تصانیفش در کتاب تیمورشاه درانی
اثر بنده مندرج است اینجا از شرح زندگانی مرحوم خود داری نموده
و بفرست اقبات تنها مجمع مهر مرحوم رامی فکاکا رم :

دیوان بیگی ممالک محروسه

یافت از فضل الهی عهدشاه دین پناه

عبدالله بر مسند دیوان اعلی تکیه گاه ۱۱۶۶

از مستوفیان نامی عهدا علی حضرت احمدشاه غازی که در دیوان اعلی
مملکت شرف ملازمت داشتند یک تن حاجی شیخ عبداللطیف الجاهمی بود
که سلسله نسبش به حضرت شیخ احمد جام ژنده پیل میرسد. و اندکری میرزا
علی رضا خان موسوی [۱] بود و دیگر میرزا امان الله بود که پسر او
عنبرین نام داشت [۲] و شخصی که در محکمه شرعی قندهار مقام قضا داشت
محمد ادریس خان بود که کتاب کامل الصنائعین را حسب الامر اعلی حضرت
احمدشاه غازی بزبان فارسی ترجمه کرده و بنام فرسنامه موسومش ساخته
است و آن نسخه کران بها حال در کتابخانه شاهی کابل محفوظ است. قاضی
محکمه هرات ملا فیض الله خان دولت شاهی [وزیر عهد تیمورشاه] بود قاضی
محکمه شرعی کابل ملا عبدالله اسم داشت که اسم پسر او ابو الفضل بود.

(۱) علی رضا موسوی شخصی که در کابل گذر علی رضا خان پناهش یاد میشود و باقی

همین گذر شخص میرزا علی رضا موسوی بود.

(۲) عبارت مهر پسر میرزا امان الله که در پای یک ورق فرمان اعلی حضرت
شاه شجاع الملک سدورانی به مشاهدت نگارنده پیوسته است عنبرین ابداً امان الله خوانده
میشود و عنبرین مذکور از عده نویسندگان و منشیان عصر شاه شجاع الملک بود.

(۱۱)

یسکی از مستوفیان ناهی افغانستان سکجیون مل نام از قوم کپتری اهل
هندو متوطن کابل بود که این شخص صاحب قلم در سنه ۱۱۶۱ قمری برای
استر دادپول مالیات ولایت کابل نزد همین الملك به سفارت هند فرستاده
شده بود و پس از حصول مدعا و معاودت او به قندهار در سال ۱۱۶۵ قمری
که اعلیحضرت احمد شاه غازی سردار عبدالله خان فو فلزائی ایشیک اقا سی
[نم دیوان بیگی] را بغرض فتح کشمیر بدانصوب فرستاد این وقت سکجیون
مل نیز در جمله ملتزمین رکب سردار عبدالله خان موصوف همراه فرستاده شد
وقتی که سردار عبدالله خان کشمیر را فتح و تحویل گرفت و کار گذاران
عالمگیر ثانی را از آنجا بر کشید خواجه عبدالله خان بن نواب عبدالصمد خان
محمد زائی را که نسبت بزرگی عبدالله خان دیوان بیگی که آنوقت رتبه
[امیر لشکر] داشت او را بنام خواجه عبدالله خان کوچک یاد میکردند
یعنی سردار عبدالله خان فو فلزائی نامیده رده راپس از فتح کشمیر بحیث
نائب الحکومه مقرر کرد و همچنان سکجیون مل نام هندو را بحیث استیفاء
ممالک فرمان داد و وقتی که زمام حکومت خطه کشمیر بدست اقتدار
حکومت افغانی قرار گرفت او این مستوفی سلطنت افغانستان هم در آنجا
سکجیون مل هند و بامر سردار عبدالله خان فو فلزائی مقرر گردید
سکجیون مل الی ۱۱۷۷ قمری ۱۳ سال این عهده را بسر برد (۱) سکجیون
مل بقول صاحب کتاب سیرالمتاخرین شخص نیک عقیده و قریب الاسلام
و آدم خوب صورت بود که نامبرده بعد از فراغ امور دیوانی به مجلس

[۱] شرح کتبیات سکجیون مل هندو مستوفی مقرر در کشمیر دریا و رقی های صفحات

۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳ کتاب تیمور شاه درانی ملاحظه شود.

(۱۲)

شعرا و دانشمندان وقت خود را بسر می برد که حتی بد شعراء ز بدۀ کشمیر
امر کرده بود که تاریخ کشمیر را از ادوار گذشته الی عصر استیفاء خودش
برشته نظم در کشند

سکجیون هل بك تن از مستوفیان نامدار عصر احمدشاه کبیر بود و در
ضمن وقائع عهد شهنشاه مبرور از ان مستوفی اسم برده میشود:



(۱۳)

عهد سلطنت اعلیٰ حضرت

تیمور شاه سدوزائی

در سنه ۱۱۸۶ قمری که اعلیٰ حضرت تیمور شاه درانی باور تک سلطنت
موروثی تکیه زد به تقاضای عصر و مرام سیاسی حکومت خویش به توسیع
این وزارت که سرچشمه حیات مدنی و مؤلف منابع و مؤجد مدارک ما دی
مملکت است چنین کوشید که وکیل الرعایا- امین محکمه مالیاتی- مهمتم
دفاتر- امین المملک- اخذ اترچ- داروغه مالیات و ضابط و نسکران های
ثالثات [یعنی سه یک] و امثال آن افزود که این همه اسماء و عنوان های
فوق الذکر در همان دیوان اعلیٰ مصروف ایفای وظائف خویش بودند و شخصی
که در رأس تمام امور کشوری و لشکری عصر تیمور شاه بحیث نائب السلطنه

فوت در متن صحائف تاریخ معاصر افغانستان کلمه خالصه و خالصه جات زیاد
بنظر میرسد و برای اینکه موضوع خالصه و لفظ معاف و مرفوع القلم مبهم نگذارد
برای تأیید مطالب صفحات گزشته معلومات ذیل پر داخته میشود:

در عصر سلاطین گذشته عادت بود تا فردی در امور عسکری خدمتی مهمی را انجام
نمیداد بمنصب بزرگ عسکری و ملکی پذیرفته نمی شد و اعطای رتبه رفیع را بجایزه
خدمات مهم پسندیده بودند و همچنان در بدل خسارات مشقات زیاد کشور کشائی که
بعضاً برادر یا فرزند کسی بقتل میرسد و یا شخصی از خدمتکاران سابق دار که از کبر سن
فوت حرکت نمیداشت مانند حقوق تقاعد در امروز بنام جاسگیر املاک زراعتی را برای
امراء و خوانین افغان می بخشیدند و اراضی بخشیده «مکافات» در دفترشاهی بنام خالصه
یاد میشد و کسی که حدود و مقدار جریب زمین او در دفتر خالصه قید میشد مالیات او نیز
معاف و با اصطلاح مرفوع القلم میبود- هکذا لقب امیرالا مرء- امیر- خان خانان
عمده الخوانین و امثال آن در برابر یک خدمت نسبت میشد.

(۱۴)

قرار داشت سردار عبدالله خان فوفلزائی مؤسس و متصدی اول دیوان اعلی مملکت بود. شخصی که در عهد سلطنت اعلیحضرت تیمورشاه درانی سدوزائی عهده وکیل الرعایا حاصل کرد حاجی شیخ عبداللطیف الیجا می بود که در عصر سلطنت اعلیحضرت احمد شاه غازی درز مره مستوفیان در دیوان اعلی [وزارت مالیه] رسمیت داشت و در جنگ ملتان با فز ده هزار فوج در تحت رایت او سردار مدد خان اسحق زائی بسود و وقتی بغرض اخذ مالیات مشهد نیز در اقصوب فرستاده شده بود اما از اجا طیمکه در او ائسل سلطنت اعلیحضرت تیمورشاه درانی نظر به غبطی که از اعلیحضرت موصوف درباره امراء سرکش طائفه درانی غالب شده بود شیخ عبداللطیف خان را جهت زحمت آنها در وظائف اداری کشور اختیار کامل بخشید و آن وکیل الرعایا یا مستوفی الممالک از فرط اخلاص شعاری بدوات تیمورشاهی اول باقیات که بر ذمت مردم خالصاً امراء درانی از عصر اعلیحضرت احمد شاه غازی گذاشته بود نظربه پیشنهاد او و امراء کید و شدیدا اعلیحضرت تیمورشاه باقی دهان پول مالیات و غیره را برای تادیبه پول جلب نمود که در اثر همان شتاب و تعاقبت اندیشی شیخ عبداللطیف خان واقعه عبدالخالق خان سدوزائی ظهور کرد و پیشنها د های پیهم شیخ عبداللطیف خان [۱] در طبقات ملت چنان اثر بد بخشید که تمام اقوام درانی از عصر سلطنت اعلیحضرت تیمورشاه که در شدند و این رویه شیخ عبداللطیف خان مصدر چندین فتنه و فساد بشد اما در قطار مستوفیان و کبار پردازان بزرگ آنوقت

(۱) صاحب مجمل التواریخ شیخ عبداللطیف خان را یک مرتبه به لقب وزیر یاد میکنند.

(۱۵)

شخص بسا فضیلت و صاحب سلسله نسب بود مگر از احاطه ظنیکه اقتدا را مرء
در انسی راسلپ کردن میخو است او اخر عمر خود را به ذلت بسربرد که
حتی در عهد سلطنت اعلیحضرت شاه زمان خانۀ نشیمن و رثۀ موصوف هم ضبط شده
و برای رعایش یکی از مهمانان هندی سپرده شده بود:

مستوفی الممالک یاو زیر مالیه اوائل سلطنت اعلیحضرت تیمور شاه
همین شخص شیخ عبد اللطیف خان بود که اخیراً بلقب وکیل الراجبا
ملقب شده بود و تا مبعود در او اخر سلطنت تیمور شاهرهات که مسکن
اجداد او بود فوت شده و در قریۀ گذرۀ هرات مدفون گشت.

امین الملک عصر شهر یار موصوف نور محمد خان بسا بری بود که
در ابتدا مهمتم دفاتر مالیات و سپس بنام رئیس محکمۀ مالیات
و بالاخر بنام امین الملک بحیث مستوفی الممالک عزافتخار حاصل نمود
و صاحب کتاب دیبتمنو تار یخ میگوید که در اثر سعی و اهتمام خود
خزائن تیمور شاه را به بیما تۀ بلند رسانید که معاصرین او خدات
قابل وصفش را هر رد تمجید میدانستند - سجع مهر امین الملک موصوف
در اوقیات ریاست محکمۀ مالیات به عبارت [عبده نور محمد] و در وقت
امین الملک یکی اش به چنین بیت مسجع گهر دیده بود:

بدولتمخواهی سلطان دوران امین الملک شد از دل و جان [۱]
اعلیحضرت تیمور شاه در انی وقتی که شهر بلخ را در سنه ۱۲۰۴ قمری

از اثر تعرض شاه مراد بی حکمران بلخ را مکرر تجات بخشید چون

(۱) حرف «و» در کلمۀ دوران علامت ضمه است و اصلاً «وران» صحت است اشاره
به در دران منسوب به درانی.

(۱۶)

ثروت بشمار دیگری عائد خزائن سلطنتی تیمور شاهی کر دید در سنه
۱۲۰۵ قمری که یکسال ازوا قعه تمرد شاه مراد مذکور سپری شد شخصی
را برای تنظیم امور اداری کشور به عنوان دیوان بیگی برگزید
و دیوان بیگی این وقت بقول شهرزاده علی قلی میرزای اعتضاد السلطنه
ایرانی نویسنده تاریخ افغانستان میر هزار خان الکو زائی بود که
در نیمه سال ۱۲۰۵ قمری دو سال قبل از فوت اعلیحضرت تیمور شاه بصوب
بلخ فرستاده شد اما میر هزار خان موصوف در عرض راه کابل و بلخ
فوت گردید و این رتبه را پیش از یکماه نتوانست بسر برد یعنی دو مین
شخصی که بنام دیوان بیگی در تاریخ مملکت شناخته شد میر هزار خان
الکو زائی بود ولی ازینکه عمر با او مساعدت نکرد اثری از وی باقی نماند.
نور محمد خان بابر امین الملک عهده خود را الی اواخر سلطنت زهانشاه
سرور زائی نیز بسر برد که بعد از حیات او این عهده به محمد اکرم خان فوفلزائی
بن حاجی کریمداد خان عرض بیگی دربار احمد شاه کبیر سپرده شد
نور محمد خان بابر در عهد سلطنت اعلیحضرت شاه زمان سدوزائی چهار
هزار نفر از غلامخانه قزلباش کابل نیز در تحت اثر داشت که در هنگام
محاربات بحیث یک ژنرال ایفاء وظیفه مینمود و در اوقات امنیت به همان
وظیفه استیفاء ممالک رسیدگی میکرد ولی قسمت دارالقضاة در این عصر
به لفظ مدارالمهام که یار وظائف وزارت داخلیه امروزی نیز بانجا ارتباط
داشت تعلق گرفت و امر محاسبات دولت کما فی السابق به دیوان اعلی منوم
شد و وظائف قضای جزا از صلاحیت دارنده دیوان اعلی برون گردید.

(۱۷)

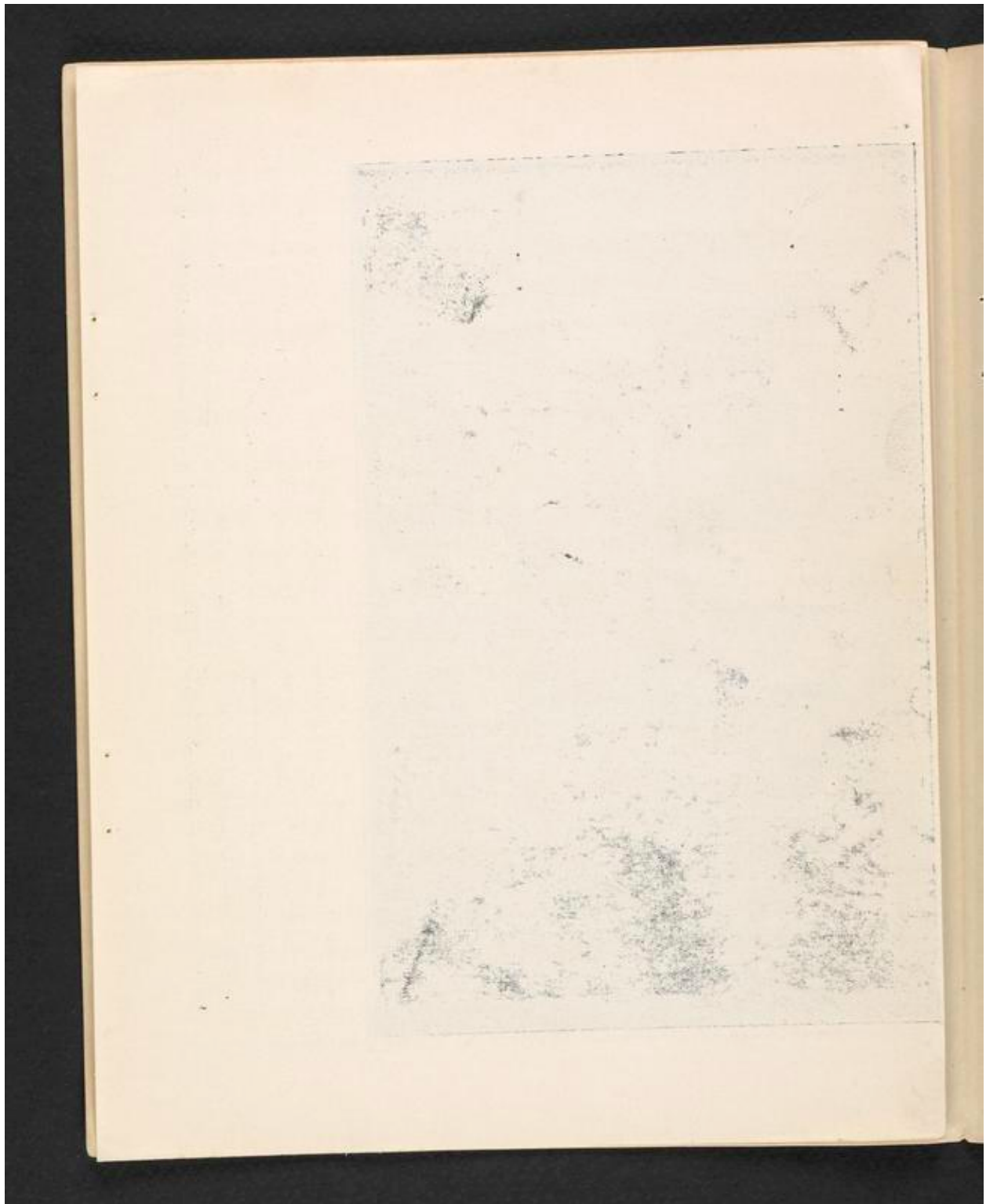
چون مراتب قاضی فیض الله خان به شهرت مدارا المهام و یا امین الملك به اوراق فرمانهای رسمی آنوقت تصریح نشده است تنها بقول مؤرخان اکتفا کردیم و حقایقی که درباره تعیین رتبه اشخاص آن عصر در اسناد خطی بنظر بنده برخورد کرده است در نگارش مؤرخان افغانی و هندی و ایرانی اغلاط و اشتباه زیاد موجود است.

در همه حال وزارت مالیه در ۲۲ سال سلطنت اعلیحضرت تیمور شاه غازی زسنه ۱۱۸۶ قمری الی ۱۲۰۷ قمری به چند نفر فوق و ملاعبید الغفار خان جدیدالاسلام و التقات خان خواجه سرانعلق گرفت که وظائف مالیاتی را با دگر امور کشوری و لشکری که اداره و انتظام لشکر نیز به زمامداران و کارپردازان وزارت مالیه مفوض و متعلق بود به مفهوم وزارت مالیه و وزارت دفاع ملی امروزه می پرداختند و در هر دو عصر دیوان اعلی وزارت مالیه امور داخل و خارج لشکری را توسط لشکر نویس ها و نظارت گمرکات و تجارت و اذریعه عمال و ضباط و امور نقلیه را توسط میر آخورها و پیش خانه چی ها و قورخانه چی ها و راسی می نمودند.

نوت: در قسمت تشکیلات عصر سلطنت اعلیحضرت تیمور شاه درانی نظیر به معلومات زیادی که در کتاب موسوم به تیمور شاه درانی گرد آورده شده و بطبع رسیده است درین رساله قدری سطحی می گذریم اگر مطالع آرزو مند تحقیقات فراوان باشد در انرا مذکور رجوع نماید و هکذا اگر معلومات بیشتر را در قسمت سلطنت اعلیحضرت شاه زمان نیز با تمام کیفیات بخواهند مطالعه کنند نشر کتاب درة الزمان را که تحت تأیید است معالغیر انتظار داشته باشند.



عبدالله خان الکوزانی مقب به مجلس الدوله یکی از حکام بزرگ افغانی کشمیر - شخصی به در زمان حکومت وی
(بهمد سلطنت زمانه درانی) بول مایات کشمیر در سال ۲۴۱۰ ک رویه بخته بشمار می آمد و این تمثال مجلل او که در
عصر حکومت خود در کشمیر از طرف مصوری تصویر شده است در متن قصیده مدحیه رحمت داوی شاعر معاصرش در کتاب
قلبی موسوم به لیلی و میخون مندرج است و از حسن گفتار شاعر معلوم میگردد که نایب الحکومه موصوف علاوه بر انتظام امور
حکومت آنجا بصفت جود و بخشایش و پرورش علماء و شعراء نیز توجه خاصی داشت. «متعلق صفحه ۱۹۹ رساله یوان اعالی»



(۱۸)

عصر زمان شاه سده و زائی

در سنه ۱۲۰۷ قمری در عهد سلطنت اعلیحضرت شاه زمان نیز شخص امین المملک نور محمد خان بابرری الی اخیر عمر خود عین همین وظیفه را بسر ببرد و بعد از آن محمد اکرم خان فوفلزائی بن حاجی کریمداد خان این عهد را اشغال نمود که مستوفیان و مستاجران مالیات و داروغه های مالیات و جزائر چیان و خزانه چی ها و ذخائر چی ها کما فی السابق تحت اثر او با مور مالیات مملکت و معاش عسکر منظم و تعیین جا بگیر امراء و ما مرین و استیفا محاسبات اراضی مملکتی بوسیله دفتر خالصه ریاست کرده اند [۱] و همچنان در عهد سلطنت اعلیحضرت شاه محمود و اعلیحضرت شاه شجاع المملک یعنی از ۱۲۱۶ الی ۱۲۵۸ قمری به عین همین ترتیب با اسم امین المملک و نظام المملک بجای لفظ وزیر مالیه موجوده و د اخلیه و غیره ایفا وظیفه نموده اند که امین المملک معروف عصر شاه شجاع همان محمد اکرم خان فوفلزائی بود که در اثر خوش بینی اعلیحضرت شاه زمان در عصر سلطنت اول اعلیحضرت شاه شجاع المملک دارای رتبه و منزلت بود چنانچه در اثر تقرب او حافظ شیر محمد خان مختار الدوله را رشک عموزاده گی غالب شد که اخیراً شهزاده قیصر بن اعلیحضرت شاه زمان را که برا در زاده عینی اعلیحضرت شاه شجاع بود باغوا برانگیخت .

(۱) در چهار ورق فرمان اعلیحضرت شاه زمان متعلق اسناد خاندانی بنده بهلوی مهر ملا عبدالغفار خان جدید الاسلام کلمه استیفاء ممالک اشتره شده است ولی هر چهار ورق در سنه ۱۲-۱۴ قمری نوشته شده است اینجا بقرار نوشته مؤرخان و اسناد خطی قدری اختلافات موجود است.

(۱۹)

توضیح این مقال آنکه محمد اکرم خان امین الملک بن حاجی کریمداد خان برادر آزاد خان و آن شخصی که در نواحی قریب پشاور به همدستی اعظم خان فوفلزائی تساقچی باشی و عبدالغفور خان فوفلزائی به طرفداری اعلیحضرت شاه شجاع الملک در جنگی که مقابل شهرزاده قیصر بن اعلیحضرت شاه زمان فرستاده شده بودند حافظ شیر محمد خان مختارالدوله را بابرادرش حاجی میر احمد خان به کشتند و اخیراً در جنگ واقع نموده بمقابل لشکر اعلیحضرت شاه محمود [علیه اعلیحضرت شاه شجاع الملک] خود امین الملک محمد اکرم خان و عبدالغفور خان رفیقش از دست فتح خان بابر کزائی وزیر و سرلشکر اعلیحضرت شاه محمود بگریزدار عمل ایشان کشته گشتند و اعلیحضرت شاه شجاع الملک در یادداشتهای خود

نوت: وقتی که عبدالله خان الکو زائی ملقب به مخلم الدوله به حکومت کشمیر قیام داشت در سال ۲۴ لک رویه عائد دیوان اعلی سلطنت میشد اما اکثر بموجب عمل مضابط میری گشته شش هفت لک رویه بخزانة شاهی میرسید و از نواحی ملتان که جایگیر مردم سدوزائی درانی بود در سال ۳۰ لک رویه عائد خزانة شاهی میگشت و دیرة غازی خان بموجب مردم خدمتکار آن که از محصول آنجا مجری می بردند به هفت صد هزار رویه اجاره بودند و دیرة اسمعیل خان بدو صد هزار رویه در اجاره عبدالرحیم خان هوتکی بود.

پشاور و مضافاتش تا سال ۱۲۱۲ الی سال ششم سلطنت زما نشاء به هفت لک رویه اجاره بود.

اعلیحضرت شاه زمان در سنه ۱۲۱۱ قمری که لاهور را مسخر گردانید احمد خان بابر کزائی را به حکومت میان دوآبه و جیلیم و سندسر افرازی بخشود و در سال یک لک رویه از مالیات لاهور معین فرمود تا حاکم مذکور بخواست سرحد و غور پردازد یعنی از مالیات لاهور در سنه ۱۲۱۱ در سال پنجم سلطنت شهریار موصوف یک لک رویه تنها از دیوان اعلی شاهی برای مصارف محافظت سرحدات میان دوآبه و جیلیم و سند تخصیص داده شده بود.

(۲۰)

گوید که نظر به اعتبار همین شخص امین الملک که بدربار شاه تقرب جسته بود حافظ شیر محمد خان [۱] مختارالدوله از لحاظ اهمال خدمات گذشته خود بنای نفاق و حسادت گذاشت تا در نتیجه زرد و خورد لشکر طر فین (شجاع و قیصر) مختارالدوله و برادرش حاجی میر احمد خان در پشاور به قتل برسیدند.

نظام الملک در عهد سلطنت اول اعلیحضرت شاه شجاع سدو زائی کل محمد خان بامیزائی فوفلزائی بن اشرف الوزراء شاه ولیخان بود که سجع مهرش به مشاهده نگارنده چنین پیوسته است :

ز فضل ایزد والطف احمد نظام الملک شد کل محمد

توضیح: در سنه ۱۲۲۱ قمری در دوره سلطنت اول اعلیحضرت شاه شجاع الملک چون مالیه چندین ساله محال سند از سبب اغتشاش انقراض سلطنت زمان شاه و محمود شاه بیکار گشتان دیوان اعلی سلطنت نرسیده بود بدون

نوت: يك تن از مستوفیان عصر سلطنت اعلیحضرت شاه شجاع الملک اندال خان فوفلزائی بود که عهد را نمصر به استیفاء ولایت هرات سرافرازی داشت و در هنگام لشکر کشی محمد ولی میرزا والی مشهد جانب هرات در یک واقعه خونین بتاریخ دوم شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۲۲ قمری نظر (با آنکه مستوفیان افسران لشکر میبودند) بمعیت کدخان و محمودخان بشهادت رسیده اند.

وقتی که عظامحمد خان بن حافظ شیر محمد خان مختارالدوله از طرف اعلیحضرت شاه شجاع الملک بنائب الحکومتی کشمیر عوض عبدالله خان مخلص الدوله از تقایافت دیوان قندارم هندو که از میرزایان مجاسب عصر سلطنت اعلیحضرت شاه شجاع الملک بود بنام صاحب کار و سرپرست امور دیوانی حکومت وی بحیث مستوفی ولایت کشمیر بخدمت دولت افغان سرافراز گشت و تا زمانیکه عظامحمد خان بامیزائی همد را نجبا قیام داشت قندارم (هندو) باستیفاء ولایت کشمیر می پرداخته و

(۲۱)

آنکه جا کم و یا مستاجری مامور شود خود اعلیحضرت شاه شجاع الملک
از قندهار را به سند بر گرفت. در منزل واقع شیر سرخ فرستاده گمان میران سند
فیضیاب و کباب شاهی شدند عرض و التماس نمودند که اعلیحضرت فسخ عزم
فرمایند و زمین سند را لگد کوب سپاه نمایند و مبلغ هشت صد هزار روپیه
بدون زحمت سفر عائد خزانة دیوان اعلیٰ شمارند. اعلیحضرت شاه شجاع الملک
فطر به کثرت مالیات سند که بر ذمت اهالی آنجا از چهار سال باقی مانده
بود عرض و استدعای ایشان را نه پذیرفت و برایشان بغرض پیش بینی و تدارک
پول رخصت معاودت فرمود. همچنان در سالکوت نیز و کسای میران سند
بشرف و کباب بوسی اعلیحضرت شاه شجاع الملک پیوستند و دوازده لک
روپیه بر ذمه گرفتند که مشروط بر معاودت اعلیحضرت شاه شجاع الملک
ادا نمایند. ایضاً عرض و استدعای ایشان را نه پذیرفت. چون اعلیحضرت
شاه شجاع الملک بدین عزم وارد موضع [گندآبه] و از آنجا وارد شکار
پور شد در آنجا و کلاو میران سند و خوانین تالپور بسا سادات کرام و علماء
عظام و پیرزادگان ذی احترام قرآن مجید را بدست شفاعت گرفته
در بارگاه سلطنت حاضر آمدند و غفوی بقیای پول مالیات چهار ساله دیوان
اعلیٰ را که بر ذمت ایشان از چند سال مانده بود استدعا نمودند. اعلیحضرت
شاه شجاع الملک پادشاه دیندار با احترام کلام حضرت ملک علام ده لک روپیه
را بخشید و بیست لک روپیه را فرمود تا نحو بل خزینه گردد و علاوه بر مبلغ
فوق که حاصل و عائد دیوان اعلیٰ حکومت شد تحف و هدایای مرغوب دیگر
از قبیل اسپان زین و یراق طلا و نقره و تفتکهای بست طلا و شمشیرهای قبضه

(۲۲)

مرصع و غیره قماش های نفیس برسم پیشکش و اصل و داخل دیوان اعلی گشت
و با اندازه شش لك رویمه دیسگر تعارف هفتیان و کار پر دازان حضور

فوت از میرزاایان با نام عصر اعلی حضرت شاه شجاع الملك یکنفر میرزا امام و یردی
خان بود که در ضمن وقایع حکومت مؤقت شاهزاده فتح جنگ و شاهزاده شاه پور نام
اودر مآخذ قید است ولی میرزا امام و یردی اغلب گمان میرود که پسر میرزا الله
و یردی خان (معاصر احمد شاه کبیر) باشد چنانچه در کتیبه زیارت سید استحق اختلافی
(مشهور به شاه شهید) علیه الرحمه نام او با یا فوت خان خواجه سرا فقر شده است مثلاً
در يك مصرع گوید (چو سرکاری نمود الله و یردی) و در فرقه کوه دامن قلعه ای
بنام الله و یردی خان مشهور است که بر فراز يك تپه بلند از گل سفید کون اعمار شده
است .

ساکنین فرقه گویند وقتیکه اعلی حضرت سراج الملقه و الدین امیر حبیب الله خان
شهید بسیر و تفریح کوه دامن و خصوصاً برای تماشای آبشار فرقه درین دیار تشریف
آورده بودند از زیبایی محیط قدمه که جای خیلی خوش آب و هوا بود حیرت کردند و سپس
سوال فرمودند که این گل سفید کون و محکم از خود این تپه خواهد بود و یا از جای
دیگری نقل داده شده است به تصدیق يك نفر معمر به صحت پیوست که از گل همین تپه
تعمیر و تعمیر شده است .

در مقابل تشریحات اسم الله و یردی گفتند نویسنده ای از مردم فارسی بود و در
عهد تیمور شاه سدوزانی به تعمیر قلعه پرداخته است ولی سلاله از او در کوه دامن
وجود ندارد بنده معلومات مختصری را که درباره هر دو نویسنده از زبان مولوی مسکین
صاحب مقیم و مقتدای امانی فرقه کوه دامن نگاشته ام دلالت بران دارد که امام
و یردی اغلب پسر الله و یردی و صاحب آن قلعه باشد اعلی حضرت شاه شجاع الملك در يك
عبارت مجمل و مختصر خود گویند میرزا امام و یردی معتمد امیر دوست محمد خان و با او در
بخارا نیز رفته و در قید امیر بخارا بود و از آنجا به صلاح و صوابدید امیر موصوف خود را
دیوانه قرار داده بواسطه دیوانگی از گرفتاری پادشاه بخارا خلاصی یافت و بفرض
جاسوسی و مایل گردانیدن اعیان کابل را جانب امیر دوست محمد خان وارد کابل
شد .

(۲۳)

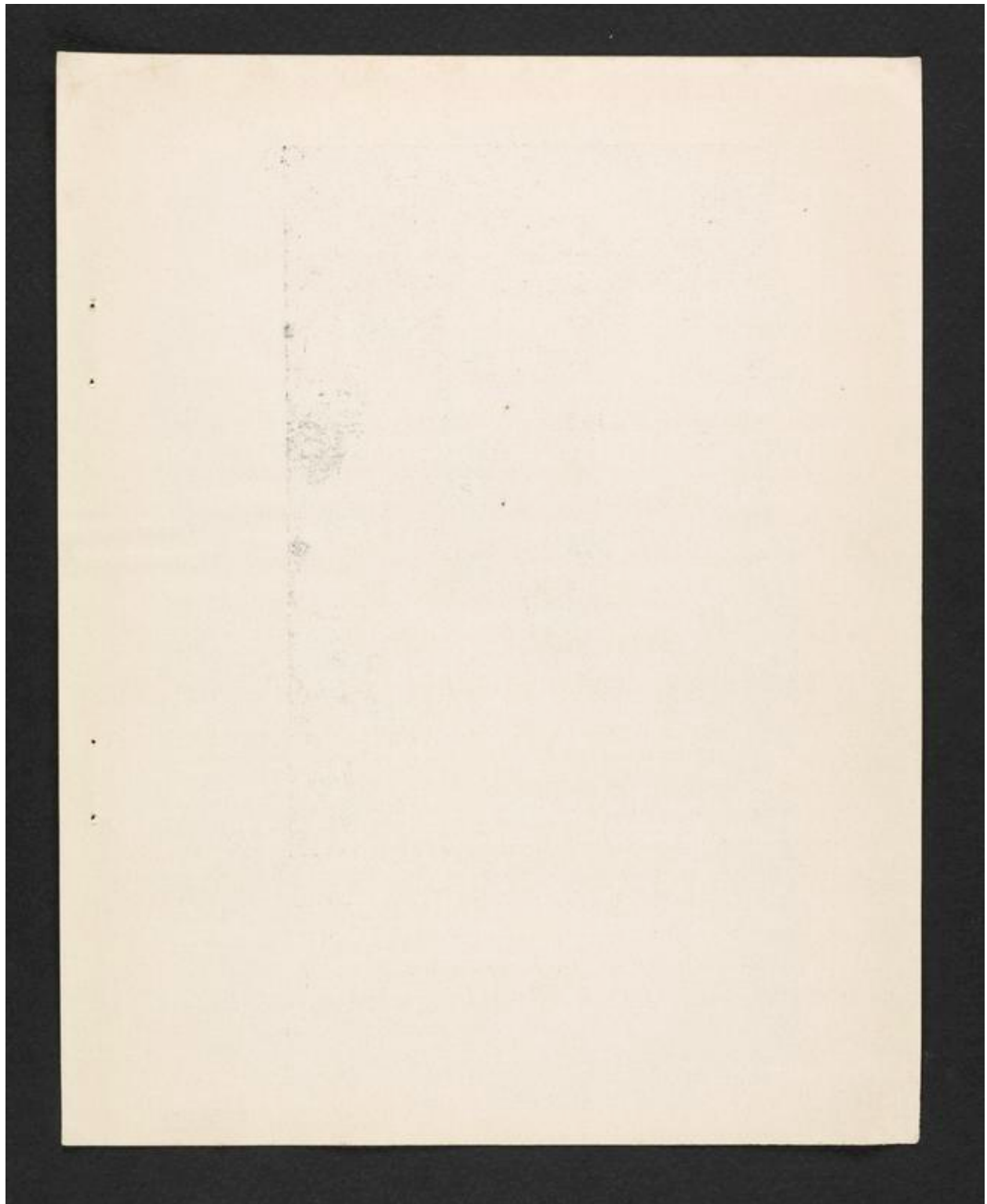
شاه افغان که سندیان تقدیم کردند در شمار آمد و مردم سند نیز از لطف شاه درانی بخلاف فاخره سرافراز گردیدند و همچنان فرستادگان راجگان مرهته نیز با عرائض عجز مشرف شدند و سه زنجیر پیل و اسبان عربی با زین و یراق طلا و نقره و عقد های مروارید و تزیینات کمخواب و بادله و یلغار و زری و قطیفه کهنی [که مردم هند او را در تپه می نامند] با غیره اجناس ابریشمین شرفیاب حضور شدند و بعد از تقدیم تحف قیمت دارو عرض عجز و انکسار رخصت مراجعت به وطن خود حاصل کردند.

اعلی حضرت شاه شجاع الملک وقتی که از شکار پورام دیرجات برگشت وارد (کوت) و ملتهن شد در آنجا بهاول خان عباسی نیز یک زنجیر پیل و چند رأس اسب با سامان طلا و نقره و مبلغ کثیری از زروسیم و چند اشتر و غیره اجناس زرین و ابریشمین قیمتمدار بطور هدایای مستمره مقرر و بحضور شاه فرستاد و فرستادگان بهاول خان عباسی رخصت معاودت حاصل کردند:

مقصود از نگارش فوق چنان است که در تاریخ امور مالی واداری افغانستان چنین موقیبات محض بدیوان اعلی مملکت قرار میگردد چنانچه اعلی حضرت شاه شجاع الملک در یادداشت های خصوصی خویش به عین همین تفصیل قلم فرسائی کرده اند و از نگارش ایشان معلوم میگردد که سرپرستی امور دیوان اعلی را در آن مواقع خود بر ذمت داشتند و گویند در سنه ۱۲۲۳ قمری در دوره سلطنت ثاقوی اعلی حضرت شاه محمود وقتی برای استرداد تخت و سلطنت از دست شاه محمود میکوشیدم در حال



اعلی حضرت شام شجاع الملک درانی سدوزائی شاهی که در استیصال
یو. مالیات از کشور هند بدیوان اعلی مملکت در آوان سلطنت خویش
کهت مزید بهمرسانیده است و رساله دیوان اعلی که در این زمینه مخصوص
تاریخ وزارت مالیه سخن میراند خدمات شام مرصوف را آنچه درین راه
انجام داده است بنظر قدر می نگرد.
(متملق مضمون صفحه ۲۴ رساله دیوان اعلی)



(۲۴)

هزیمت از پشاور کوچیده راه شکا پور بر گرفتیم و در ضمن وقایع متعلق
بامیران سند طرح معااهده را بختیم - آنکساه میر کیز معلی خان
و میر مراد علی خان تاهان پسران میر مراد علی خان که از بزرگترین
شخصیت های آن سرزمین بودند میران مذکور از بابت مالیات سند علاوه
بر طلا و نقره مسکوکات بسیار و اقشمة نفیسه ابریشمین و زرین ساعت
و دوربین و ظروف بلورین و امتعه قیمت دار چینی و اسلحه و آلات مرصع
و مصاحف و وظائف مذهبی و دوزنجیر پیل و خیمه ها و فرشهای قیمتی
و دو عراده توپ جلوی بخسورم تقدیم کردند پنجم دانه اشرفی و بیست
هزار روپیه نقد نیز از حضور گذرا نمیده و بخزان سپردند و قرار دادند
هر وقت زمام سلطنت افغانستان بدست شهزاده شجاع الملک قرار گیرد
مالیات محالات سند و شکسار پور را ادا مینمائیم و همچنین در اوقات
تشریف آوری زوجات محترمات دودمان نجیب شاهی هر گونه پیشکش
را ازین قرار که سزاوار شوکت فامیل جلیل سلطنتی باشد به تقدیم خواهیم
رسانید.

شاه شجاع الملک در عصر سلطنت و غیر سلطنت خود از بنگونه افتخارات
قلمی و اداری بیشتر دارد ولی هیچ سفسطه ای نمی تواند که ازین تبرئه
در گذرد و خدمات او را لباس دیگری بیوشاند زیرا اصل کیفیات اگر
بنظر حقیقت مجسم شود میتواند از بعضی شهرتهای تهمت آمیزش چشم
پوشد.

(۲۵)

عصر سلطنت محمود شاه

سد وزائی

چون عصر سلطنت اعلیحضرت شاه محمود سد وزائی در دفعه اول و ثانی
وسلطنت اعلیحضرت شاه شجاع الملک ازیر آشوب ترین از منته تا ریخی
این مملکت بود لهذا تشکیلات سلطنتی آنها بصورت مکمل مثل سلطنت
اعلیحضرت احمد شاه کبیر و اعلیحضرت تیمور شاه باهم مقایسه نمیشوند
و خصوصاً در عصر سلطنت اعلیحضرت شاه محمود که چهل و دو واقعه بزرگی
رخ داد در تشکیل سلطنت او صدمات بزرگی بوقوع پیوست که در امور
محاسبات و دفتر داری احدی را نفس ابراحت کشیدن نگذاشت لهذا طرز
دفتر داری و تشکیل عصر شاه محمود سد وزائی قدری ضعیف تر از اوار قبل
و بعد او بشمار میرود ولی کسانی که از نویسندگان و معاصرین او بودند
در عصر سلطنت زما شاه و شاه شجاع الملک از هر یک نام بردیم (۱)

(۱) در سنه ۱۲۱۹ در سال چهارم سلطنت اول اعلیحضرت شاه محمود برای یک مرتبه
وزیر فتح خان بارکزائی جهت وصول مالیات دیوانی ما مور وزارت و بامیان گردیده
بود و قبل از آنکه پول مالیات را جمع و بدیوان اعلی مملکت بسپارد سلطنت اعلیحضرت
شاه محمود سد وزائی متفرض گشت و وزیر فتح خان پیش از آنکه پول مالیات را جمع
کند عندالموقع لشکر زیاد از مردم بامیان و هزاره گرد آورد و در منزل میدان با
لشکر شهزاده شجاع الملک بمقابله پرداخت .

(۲۶)

بار دوم سلطنت اعلیٰ حضرت

شاه شجاع الملک

در عصر سلطنت ثانی اعلیٰ حضرت شاه شجاع الملک شخص دیگری بنام ملا عبدالشکور باین عهده برگزیده شده بود و همدرین عصر محمد عثمان خان بن رحمت الله خان وزیر قوم کامران خیل سدوزائی فوفلزائی مامور ثالثات (یعنی سه کوتی) خالصه جات بود که اخیراً در اثر پیشنهاد مکناتین والکساندر برنس انجلیس بلقب نظام الدوله ارتقا یافت و وظیفه ملا عبدالشکور خان وزیر را عندالاقضاء بدو سپردند (۱) وای در حال انقراض سلطنت اعلیٰ حضرت موصوف یعنی دو ماه قبل از شهادت آن شهزاد شهید شخص دیگری در رأس دیوان اعلیٰ مملکت با همان اقتدار کامل یعنی باستیفاء کل ممالک محروسه و قضا و جزاء تعیین گردید که شخص مذکور نواب شجاعت علی خان نواده نواب نجیب الدوله هندی بود و گویند که نواب شجاعت علی خان مذکور مشروط به معارف سلطنت شاه شجاع الملک رتبه دیوان بیگی حاصل کرد و در آن وقتیکه کشاکش دست استعمار در خاک افغانستان از هر طرف دراز شده بود اعلیٰ حضرت شاه شجاع الملک

(۱) ثالثات یکی از وظائف دیوان اعلیٰ بود که بامور ثالثات در دفتر خالصه آمر و مختار کار آن شمرده میشد اما ملا عبدالشکور خان شخصی بود که سی سال بهیم مختار کار اعلیٰ حضرت شاه شجاع الملک بود ولی در اثر ایفاء معتدین از کار بر طرف شد و با آنکه اعلیٰ حضرت شاه شجاع الملک او را بدل خلی دوست میداشت اما نظر بمجبوریتهای گوناگون نتوانست که او را حمایت کند و لا بد وظیفه و صلاحیت او را به نظام الدوله سپرد.

(۲۷)

جساره جز آن نداشت که آن رتبه جلیله را از شخص با تعهد معاونت
و پشتیبانی در امور سلطنتش دریغ کنند چون خاندان نواب نجیب الدوله [۱]
در خاک هند شهرت بسزا و اقتدار زیاد داشته‌اند در میثاق سری نواب
شجاعت علی خان اعلی حضرت شاه شجاع الملک رتبه دیوان بیگی را
باقی‌دار کامل مثل اعلی حضرت احمد شاه کبیر بدو سپرد ولی نواب شجاعت
علی خان وقتی باخذ این مقام نائل شد که دو ماه بعد اعلی حضرت

شاه شجاع الملک در کمال بهشادت رسید و دیوان بیگی مذکور
به محبت شهزاد گمان رهسپار هند شد نواب نجیب الدوله به قرار نبشته
مؤرخان هندی از بزرگترین شخصیت‌های آن سرزمین بود زیرا وقتی
که اعلی حضرت احمد شاه کبیر بر روز جمعه هفتم ماه جمادی الاول
۱۱۷۰ قمری در دهلی بر رسید دختر عزیز الدین بن اعلی حضرت محمد شاه
عالم کبیر ثانی مغلی را برای شهزاده تیمور فرزند ارشد خویش برگزید
در آن وقت زمام حکومت دهلی را از سبب خویشی به عزیز الدین موصوف
سپرد و نجیب الدوله را لقب امارت بخشید شمه ای نیست که نواب نجیب الدوله

(۱) شخص نواب نجیب الدوله را که مؤرخان هند بلفظ هندی نسبت داده‌اند
سبب آنکه حیات و اوقات او در خاک‌های هند بسر شده بود و از آن جهت بنام هندی
شهرت او بیشتر است و نگارنده بلغاضیکه در آنوقت کشور هند در تصرف امپراطوری
افغان بود نسبت هندی را درباره نجیب الدوله مانند قندهاری - کابل - هروی -
بلخی و امثال آن میدانم یعنی شخص نجیب الدوله اصلاً از مردم افغان و بقول
یونانی بود و اعلی حضرت احمد شاه در آنی کسانی را در کشور هند برتب و القاب
اعزازی از حضور خود سرافراز گردانید که داشتن اصالت افغانی رجال آن سرزمین
شرط اول نظرات پهنشاه موصوف بود.

(۳۸)

از مقتدر ترین شخصیت های هند بود و تا مبرده الی ۱۱۸۴ قمری که سال فوت اوست باین لقب ملقب و ممتاز بود و شاعری تاریخ و وفات موصوف را چنین انشاد کرده است:

زمین را شیوه شیون پیا شد فلک را گریه دندان نماد
بدان قدوسیان دادند این رمز نجیب الدوله واصل با خدا شد

۱۱۸۴ ق

بعبارت دیسار نکتته سنجان مناصرش تاریخ وفات او را بحساب جمل [ناظم ملک بقا] نیز دریا فته افند.

غرض اینجاست که اعلیحضرت شاه شجاع الملک قریب ا نقر اض سلطنت خویش فو اب شجاعت علی را باعتبار اجدادش که در کشور هند صاحب رسوخ کامل و تقاره بنام ایشان فبواخته میشد و از عهد سلاطین مغل تا وقت

توت یکی از مستوفیان عصر سلطنت اعلیحضرت شاه شجاع الملک ابدال خان فوفلزانی بود که معمر انصربه استیفاء ولایت هرات سراقرازی داشت و در هنگام لشکر کشی محمد ولی میرزا والی خراسان جانب هرات در یک واقعه خونینی که دران دیار بوقوع پیوست بتاریخ دوم شهر ربیع الثانی در سنه ۱۲۲۲ قمری به معیت گداخان و محمود خان بشهادت رسید.

شخصی دیگری از نویسندگان معاصر اعلیحضرت شاه شجاع الملک میرزا عبدالحسین بود که در آوان سلطنت اول شاه موصوف بخزانة داری جو اهر و نقد و جنس آنوقت سراقرازی داشت و در یک جنگی که در عرش راه جلال آباد ویشاور بین لشکر شاه شجاع و وزیر فتح خان بوقوع پیوست در موقعی که محمد اکرم خان امین الملک و عبد القور خان فوفلزانی سرداران لشکر شاه شجاع کشته گشتند ابوالحسن خان خزانة دارو ملاجعفر که دران حال با حرم محترم شاهی در قلعة اتک اقامت داشتند وجوه نقد و جواهر ثمنه نفیسه را از راه خیانت برداشته و بانوان حرم عفت توام شاهی را گذاشته در لاهور نزد در نجیب سنگ که دست نشاندۀ اعلیحضرت شاه زمان بود رفتند.

(۲۹)

شاه شجاع سلسلهٔ اجداد او به عزت و منزلت در گذشته بودند منصب دیوان بیگی را مشروط به معاونت او اعطا نمود ولی از آنکه دو ماه در کابل مقام دیوان بیگی (وزیر الممالك افغانستان) حاصل کرده بود مثل میرزا رخاں الیکوزائی شهرت او بسیار کم است مگر این سو هین شخصی است که در کتب تواریخ وطن به منصب دیوان بیگی وزیر مالیه و سر کرده دارالقضاة در آن وقت شناخته میشود و قبل از آن نواب محمد عثمان خان نظام الدوله و بیشتر از آن ملا عبدالشکور خان وزیر مر تبه استیفاء دیوان اعلیٰ یا مقام وزارت مالیه بطوری که ذکر شد از آن وی بود.

در بارهٔ تثبیت مقام وزارت مالیه در آن اعصار سر جان مالکم مؤرخ انگلیس مکرر در مورد امور مالیات مملکت ایران در عصر حکومت آقا محمد خان قاجار معاصر سلطنت اعلیحضرت شاه زمان شرح میدهد که حاجی ابراهیم در عهد حکومت آقا محمد قاجار در جمیع امور مملکته مداخلت میکرد. و همه کارهای معظم دولت با سندحضا روی میگذاشت بعض اوقات وزیر دیگری نیز معین بود که امور محاسبات مالیه را بد و محول میکرد چنانچه درین اوقات میرزا شفیع صدراعظم است [۱] و حاجی محمد حسن

[۱] حاجی فیروزالدین بن اعلیحضرت تیمور شاه درانی در آوان سلطنت برادرش اعلیحضرت شاه محمود عبدالرشید خان درانی را که از وابستگان او بود از حکومت هرات برسم رسالت نرفته علی شاه قاجار حکمران ایران فرستاد حین وصول عبدالرشید خان درانی در ماه ذی قعدة سنه ۱۲۳۰ قمری در طهران فتحه علی شاه قاجار باستقبال و احترام نمایندهٔ شهبادهٔ قاندار افغان سرای نشین همین شخص میرزا شفیع صدراعظم را که عبارت عالیشانی بود برای اقامت عبدالرشید خان موصوف معین کرده بود.

(۳۰)

مباشر مالیه است و میگوید بدیش ازین صاحب این منصب را در ایران
امین الدوله میخواندند و حال حاجی محمد حسن را نظام الدوله لقب داده
اند بغیر از وزراء بزرگ مستوفیان و منشیان نیز هستند که به معاونت
ایشان کارهای بسیار میگذرد و دفاتر جمع و خرج ممالک محول بسا ایشان
است منزلیکه مستوفیان در آن جمع میشدند دفترخانه گویند [صفحه ۱۵۳]
باب ۲۳ تاریخ سرجان مالکیم]

در مملکت عزیز ما افغانستان نیز در اعصار گذشته مستوفی الممالک
وزیر ازهم فرق نداشتند و با لقب نظام الملك امین الملك و کبل الرعایا
و سر منشی های دیگر بنام دبیر الملك و منشی یاش و منشی و سرد بیرو لشکر
نویس با آنها همسکار و موظف امور مالیات و جمع و خرج مملکت بودند.
غرض نگارنده از نگاشتن احوالات ایران اینجاست که زیبایی تشکیلات
اداری حکومت افغانستان با ممالک همجوار یعنی ایران و هند در آن
اوقات تفاوتی ازهم نداشته اند یعنی هر لقب و عنوانی که در تشکیلات حکومت
ایران و غیره وجود داشت خواه متخواه در تشکیلات حکومت افغانی عنوان
یا المثل و به تغییر عبارت وجود داشته است و مقصد دیگر آنکه مستوفی و منشی
های آن اعصار زود عهده وزیر و یا صدر اعظم را اشغال میکردند که مباشر
و یا متصدی امور مالیه [بمنزله مستوفی الممالک] در آن اوقات از عهده
صدر اعظم و یا وزیر اول فرقی نداشتند.

(۳۱)

عصر سلطنت اعلیٰ حضرت

امیر دوست محمد خان

کسانیکہ از آغاز سلطنت امیر کبیر اعلیٰ حضرت دوست محمد خان
مؤسس سلالۃ محمد زائی از سنہ ۱۲۵۹ قمری مطابق ۱۸۴۳ عیسوی بابتظر
در رأس این مقام برسمیت شناخته شدہ اند اول میرزا عبدالسمیع خان
بود کہ مقام وزارت داشت چنانچہ در متن یک معروضہ شخصی کہ
نصر اللہ خان ولد نائب امین اللہ خان از گری بعنوان سردار سلطان محمد خان
محمد زائی جہۃ اخذ مباحث خود نوشتہ و متن معروضہ آن در صفحہ ۱۴۷

نوٹ در وقتیکہ امیر محمد افضل خان مرحوم از طرف اعلیٰ حضرت امیر دوست محمد خان
والد بزرگوارش بنائب الحکومتی بلغ فرارداشت میرزا احد خان کشمیری (و آن
شخصیکہ در زمرہ نویسندگان عصر سلطنت امیر شیر علی خان از ان نام گرفته ایم)
مستوفی وی بود و شخص دیگر یکہ منشی خاص و متصدی امور حکومتش بود سردار محمد
عمر خان نوفل زائی جد نگارندہ بودند و فتیکہ سردار محمد افضل خان شیرتختہ پیل
را امناسی گذاشت و تہداب نهاد محمد عمر خان مرحوم را حاکم آنجا مقرر ساخت
چون خاطر حاکم موصوف از وضع آب و هوای آنجا ملال آورد قصیدہ شکایت آمیزی
سرود بزرگان جملہ یک بیت اینست :

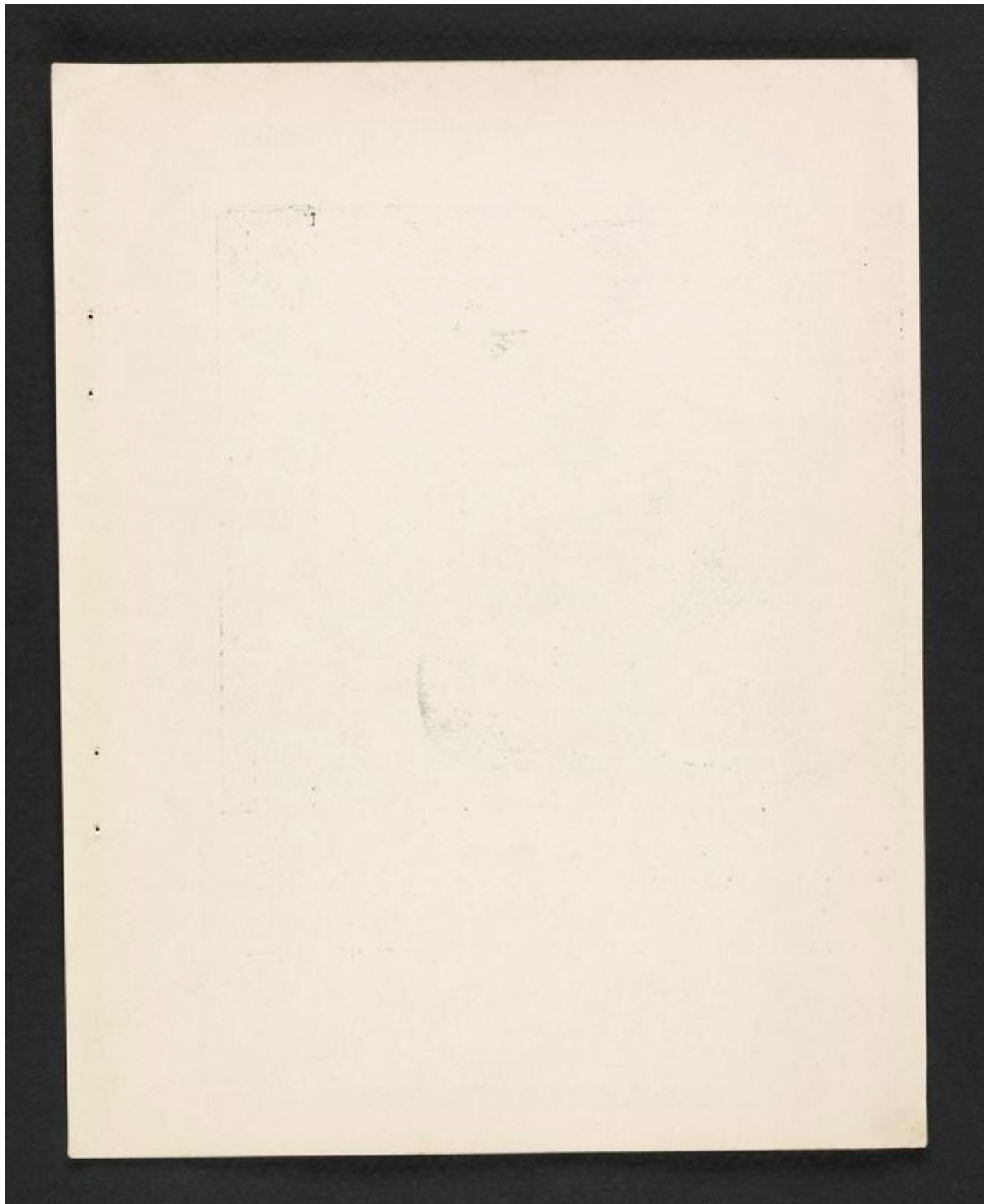
از هجومیش و ضیق معیشت اندران - تختہ پل شیرتختہ کو در کار باشد نیست نیست
سردار محمد عمر خان (عمر) چون از مقر بان خاص و از شہراء و نویسندگان معاصرش
بود در وقت سلطنتش اورا بر تہۃ مباشر ما ابات و بعدہ بحکومت (کرم) کہ نام علاقہ است
سرافرازش گردانید سجع مهرش اینکہ :

یافتہ از آتش دوزخ گذر از شرف نام محمد عمر

سوانح مکمل مرحوم در شمارہ ہای ۴۵ سال ۱۹ مجلہ آریانا با اسناد خطی سلاطین
محمد زائی کہ کزاف شدہ است ملاحظہ شود .



میرزا عبدالسمیع خان وزیر مشهور و معاصر اعلیحضرت دوست محمد خان در دوره
سلطنت اول و ثانی ایشان زمامدار بزرگ استیفاء ممالک در عصر شهریار مبرور که
بعضاً بعنوان وزیر و اغلب بنام مستوفی عهده مستوفی الممالک (یا وزیر مالیه) را بر ذمت خویش
داشت و در عهد اعلیحضرت شاه شجاع الملک از منشی های با کفایت آن عصر بود .
(متمنق صفحه ۳۲ رساله دیوان اعلی)



(۳۲)

کتاب در زوایای تاریخ معاصر افغانستان اثر کهنزاد مسطور است تا میرده
میرزا عبد السمیع خان مستوفی را بعنوان عالیحضرت یاد میکند و هکذا
در صفحه دیگر در ضمن وقائع عهد شاه شجاع الملک و امیر دوست محمد خان
میرزا عبد السمیع خان بلفظ صدر اعظم نیز یاد شده است و این شواهد مکرر است
که مقام رسمی و نفوذ مستوفی الممالک های اسبق افغانستان را بر طبق
نوشتۀ ها تأیید میکند .

میرزا عبد السمیع خان در سفر امیر پیرا علی حضرت دوست محمد خان
بصوب هند [در مقابلۀ بارنجیت سنگسر دارمهر سکهان] همراهِ و مشاور
سیاسی امیر دوست محمد خان بود و امیر هرور بتر تیمات عسکری خود
در اوقات جنگ طبق پلانهای میرزا عبد السمیع خان رفتار میکرد
و میرزای موصوف علاوه بر صفت نویسندگی مرد حربی و سیاسی نیز بود .
از صفات او اینکه : در موقع جلوس اول اعلیحضرت امیر دوست محمد خان
در ۱۲۵۴ قمری بحث های طویلی را جمیع بیافتن يك نېشته مناسب برای
فص خاتم امیر و مسکوکاتی که ضرب میشد مجلسی از طرف دبیران دانشمند
دائرشد تا بالاخر میرزا عبد السمیع خان اتفاقاً کامیاب گردید و مضمونی
دریافت که بر گفته های دگران امتیاز داشت .

فص خاتم امیر دوست محمد خان مرحوم در عصر سلطنت او لش بومف
موقع جهاد که در حال حرکت بودند چنین تقرر شد :

امیر دوست محمد بعزم جنگ جهاد کمر بست و بز دسکه ناصرش حق باد
در عصر سلطنت دومش در اوائل سال ۱۲۵۹ قمری چنین اتفاق افتاد :

(۳۳)

بزدل فضل و عنایات خالق اکبر امیر دوست محمد دوباره سکه بزر
میرزا عبدالسمیع خان فطربدرایت و سیاست مداری خویش اگر بمنزلات
استیفاء ممالك و یا وزارت رسیده بود از روی خدمات حربی - سیاسی
و اداری اش چنانچه در وقایع عهد سلطنت امیر کبیر علیحضرت
دوست محمد خان مسطور است ذیحق بود [۱]

در عصر سلطنت اول و دوم امیر دوست محمد خان شخص دیگری که عنوان
مستوفی داشت میرزا سید حسین خان بن میرزا سید محسن خان بود که در ضمن
وقایع حکومت مؤقت شهزاده فتح جنگ بن علیحضرت شاه شجاع
الملک بنام آقا حسین ازان نام گرفته اند و شخصی دیگری میرزا محمد حسن
ولد میرزا اسد [سواى میرزا محمد حسن مهر بردار علیحضرت شاه شجاع]
بود که در وقت امیر کبیر در جمله کار گذاران دولت سرافراز بود .

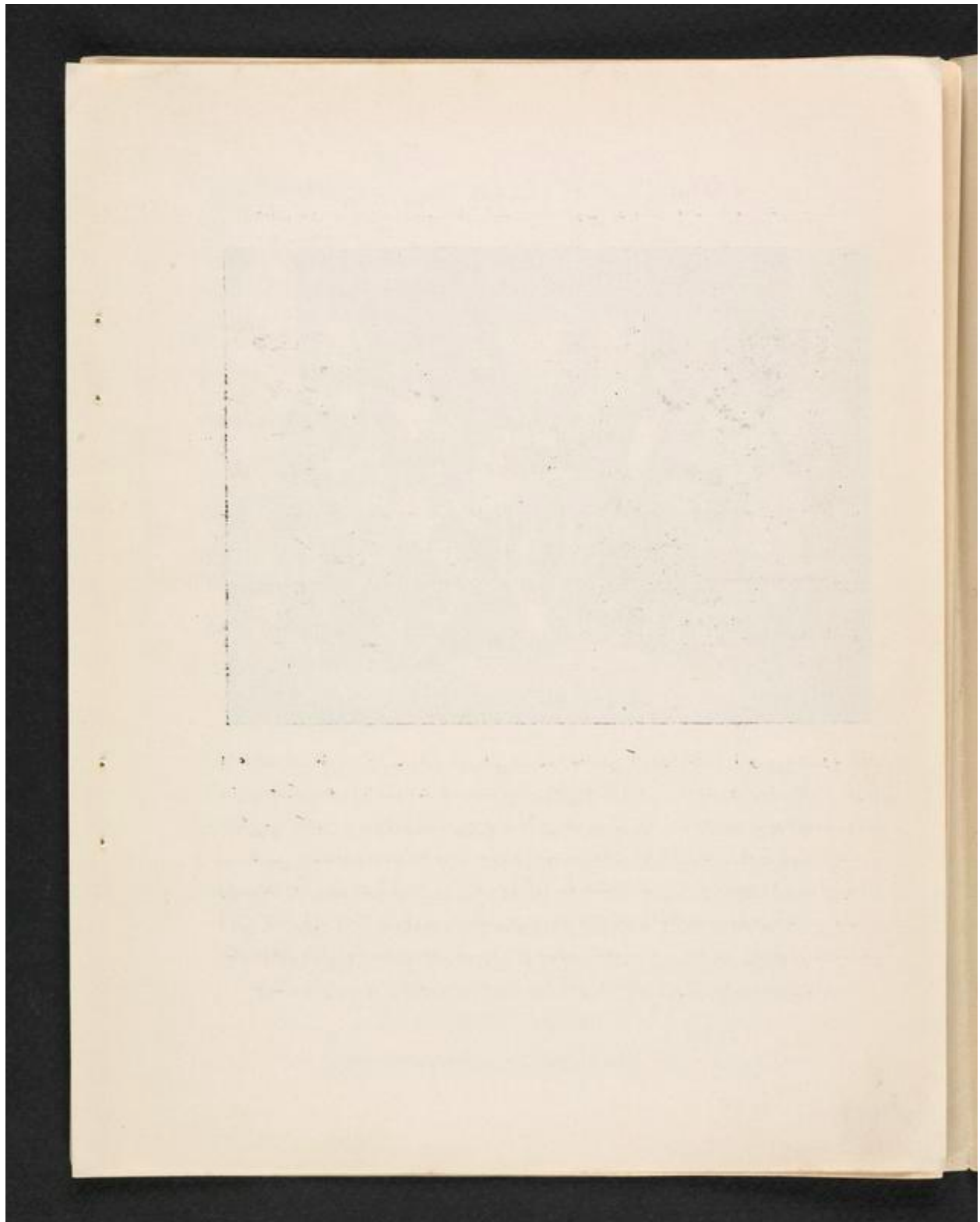
میرزا عبد السمیع خان مستوفی یکبار در سنه ۱۲۶۵ قمری بمعیت
سردار محمد اکرم خان جهت تسخیر ترکستان نیز فرستاده شده بود
و در مآخذ تاریخ همه جا اسم او بلفظ وزیر یاد شده است و شخص دیگری
بنام میرزا عبد الرزاق خان بیشتر بعنوان مستوفی شهرت داشت و در
عصر سلطنت ثانی علیحضرت شاه شجاع الملک نیز از جمله مستوفیان آن عصر
محسوب میشد یعنی از عهد سلطنت علیحضرت شاه شجاع الملک تا اینوقت
لقب استیفاء او واضح است. شخص دیگری میرزا عبد المجید خان بود
و آن هم لقب استیفاء داشت و میرزای دیگری محمد رضا نام داشت که
در دائرة استیفاء ممالك محروسه از جمله نویسندگان زیر دست میرزا

(۱) ادوارد الایس بیس مؤلف کتاب عروج بارکزائی در باره میرزا عبد السمیع خان معلومات
فصل بمدهدولی از روی زیادت اغلاط و اشتباهی که در اثر او موجود است قابل اقتباس نیست .

جمال دولت پاینده قسمت از ایست وصی دوست محمد امیر شیر علیست



۱۱ علیحضرت غفران مآب امیر شیرعلی خان - پادشاهی که در انتظام امور دفتر و دیوان
و ترقی عسکرو عمرانات و پیشرفت صنایع در وطن علاقه خاصی داشت - و در سنه ۱۲۸۶ قمری
هنگامی که به انباله تشریف می بردند این فو تو کو گرفته شده است - خودش در وسط
بر کرسی نشسته و شهادت عهده داری جان و لیمه دیر هفت ساله اش در آغوش او بیایسته
و چند نفر امنای دولت آن عصر درین فو تو (که اسماء ایشان دریا و رفی صفحه ۳۴ رساله دیوان
اعلی نگارش یافته است) بصورت مجموعی دیده میشوند و اشخاص موصوف کسانی بودند
که در امور ملکی و عسکری عصر شهریار موصوف خدمات قابل قدری را انجام داده اند
علیست شیر خرد و امیر شیر علی کسی که نائب شیران بود چو شیر دل است



(۳۴)

عبدالسمیع خان وزیر محسوب میشد و دیوان میتها و دیوان بیربل و دیوان دایه رام و دیوان دیتی رام چهار نفر از اهل هنود متوطن کابل اعضاء دیوان استیفاء همالک آن عصر بودند و دیگر از نویسندگان معتبر عصر امیر کمبیر میرزا سید حسین خان بود که در وقایع سال ۱۲۷۹ قمری در جمله اکابر دربار از و نام برده شده است اما معلومات بیشتری را که در اطراف شخصیتش و آخذ تاریخ معرفی کنند بصورت مفصل بمشاهده مؤلف نه پیوسته است ولی در سفر اعلیحضرت امیر شیرعلی خان مرحوم بطرف اقبالا (۱)

(۱) : در سنه ۱۲۸۶ قمری که اعلیحضرت امیر شیرعلی خان مرحوم در اقبالا تشریف می بردند در آن سفر شهبازاده عبداللہ جان ولید (که قدم بر حله هفت سالگی گذاشته بود) و سید نور محمد شاه صدر اعظم و اشیک اقا سی شیردل خان و میرزا محمد حسین خان دبیر و سردار نصر اللہ خان سرعسکر و خوشدل خان بن اشیک اقا سی شیردل خان و ناظر حسین علی خان پنجشیری و صفدر علی خان برادرش پاشا هزار نفر سه اردو پیاده با اعلیحضرت امیر شیرعلی خان همراه و همسفر اقبالا بودند. پس از معاودت سفر اقبالا ناظر حسین علی خان که از طرف پدر پنجشیری و از طرف مادر از مردم سیاه منصور چند اول بود گویند خادم اخلاص کش و تمک خو از صداقت شعار اعلیحضرت امیر شیرعلی خان بود چنانچه ناظر حسین علی خان از حضور اعلیحضرت امیر شیرعلی خان مرحوم برای احداث شهر جدید موسوم به شیر پور بسط شمال شهر کابل که بدور یشته بی بی مهر و بنا نهاده شده بود مهمتم آنکار مقرر گردید و چند تن از افسران نظامی و بزرگان ملکی را برای تهیه اسباب تعبیر بزر دست ناظر مذکور گماشت و تمام افراد سیاه را بزر دست معماران و تجاران و غیره مامور نمود و در ماه پنج روپیه اضافی از معاش مقرره ماهوار افراد سیاه (که هفت روپیه کابلی بود) اجرت قرار داد والی پنج سال هزاران معمار و نجار و کنگکار و آهنکار و مردم اجرت کار سواى افراد لشکر دیوار سمت جنوب شهر و نصف از ضلع مغربی و قدری از ضلع مشرقی را بر افراختند و موازی پنجاه قله زمین که مساوی از دوهزار جریب باشد برای عمارات سکنة شهر تعیین گردید و ثوب شیر پور محل عمارات پادشاهی قرار داده شد و دیوار سطحبری که ثوب و فوج بر فراز آن گردش کنند با بروج متعدد و دروب متوسع امر افراشتن صادر کرد و در طرف اندرون دیوار حصار بمفاصله گردش فرج و توپخانه دیوار جدا گانه و جای اقامت افواج را معین فرمود و آن یکی از کار

(۳۵)

نیز در جمله اعظم دربار آنوقت بهمر کابی امیر مو صوف از میرزا محمد حسین خان مذکور نام برده شده و درین رساله قید است :
بعد از آنها میرزا محمد محسن خان ماقب به دبیر الملک بود و آنها با معاونت با امور محاسبات مملکت در رأس عده منشی ها حیثیت سر منشی حضور را در آنروز داشت که گاهی با امور محاسبات دولت و اداره انشاء بمنزله مستوفی الملک و اغلب وقت وظیفه دار دفتر انشاء حضور یعنی دارالتحریر شاهی آنوقت بود .

میرزا محمد محسن خان دبیر الملک باوصفی که نویسنده با کفایت و به لقب دبیر الملک (۱) سرافراز بود طبع شیر هم داشت (۲) و تاریخ وفات امیر کبیر

بقیه یاورقی صفحه ۳۴

روایتهای بزرگ عصر سلطنت اعلیحضرت امیر شیر علی خان مرحوم است که تا حال بنام شیر پور یاد میشود و نگارنده بفرض ابضاح و اعلام یک خاطره بزرگ تاریخی و معرفی چند نفر اکابر دربار اعلیحضرت امیر شیر علی خان مرحوم درین رساله پرداختم .
(۱) لقب دبیر الملک را در تاریخ کشور ایران بعضاً بنام منشی الملک یاد کرده اند مثلاً میرزا مهدی استرآبادی انشاء پرداز معروف و معاصر نادر شاه افشار را که بنوشتن تاریخ جهانگشای نادری و دوره قاجار متعلق حیات تا در افشار از طرف شاه مذکور مکلف و به لقب ذکی ملقب شده بود نام او را در چندم آخذ مکرر با صفت منشی الملک ملاحظه کردیم ازین لقب معلوم شد که سر منشی های زبده حضور سلاطین ملوک همجوار در ادوار ماقبل بنام منشی الملک نیز یاد شده اند و لقب منشی باشی عصر سلاطین سدوزائی و دبیر الملک عصر سلاطین محمد زائی افغانستان معناً باهم مطابقت کلی دارند .
(۲) فس خاتم اعلیحضرت امیر شیر علی خان نیز به دبیر الملک میرزا محسن خان منسوب است ولی این حقیقت واضح نیست مگر اغلب گمان میرود که اثر آن باشد فس خاتم امیر شیر علی خان مرحوم که در سر فرمان ها مهر میکرد اینک :
جمال دولت پاینده قسمت از لیست و صی دوست محمد امیر شیر علیست

(۳۶)

اعلیٰ حضرت دوست محمد خان که در ذیل گفتار پر داخته میشود زاده طبع
اوست که بدون اغراق شاعرانه افشاد کرده است :
مهری به برج سلطنت ای دوستان گرفت
کز حسرت فروغ جماش جهان گرفت
شمعی خموش گشت که دود مصیبتش
شد آتش غم و به همه دو دمان گرفت
شد خسروی ز دهر که دائم بهما تمش
بیر و جوان فرقه افغان فغان گرفت
یعنی امیر دوست محمد که تیغ او
خورشیدسان کران جهان تا کران گرفت
از بس که مهر بان به عزیزان و خویش بود
توان به خامه معنی و تفسیر آن گرفت
ره آنچنان گرفت بخورد و بزرگ خویش
کش یک بزرگ خورده بهداری توان گرفت
هرگز به عمر خویش ز کس دلگران نشد
با آنکه هر که هر چه بروسر کران گرفت
در عهد او بمهر اما نت غنوده خلق
ز انسان که از زمانه زمین صدضمان گرفت
ره را چنان زرهزن ناپاک بساخت
کز دزد مزد بدو قه کارو آن گرفت

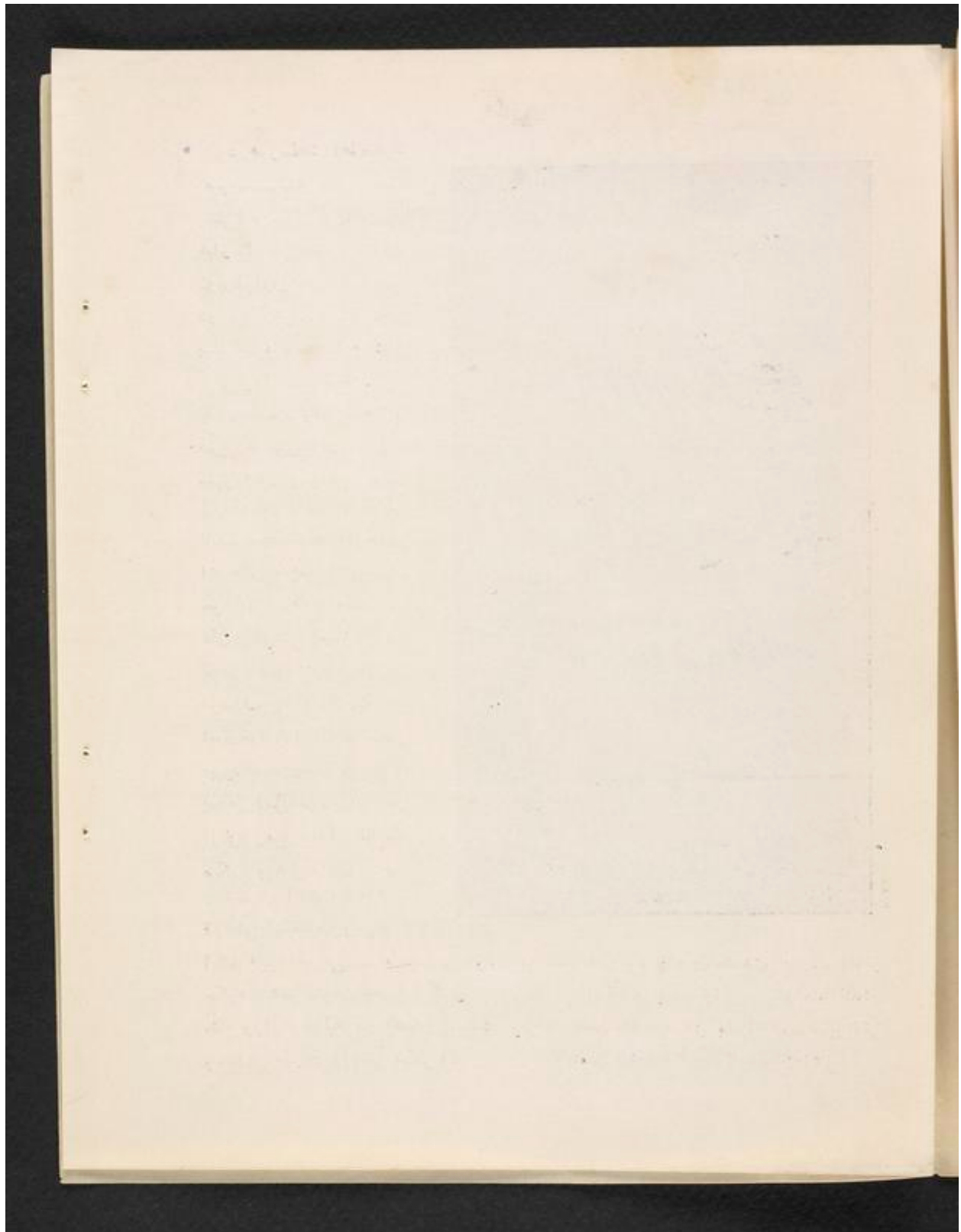
(۳۷)

تسخیر کرد خلق جهان را به حسن خلق
آری بحسن خلق جهان میتوان گرفت
تایای او نهاد قدم بر سر بر حکم
دستش کلاه سروری از سروران گرفت
نگرفت کس بد هر عنان عزیمتش
غیر از اجل که آخر عمرش عنان گرفت
حکم آنچنان نمود که کملک فراستش
انگشت بر عدالت پوشید و آن گرفت
کهسان و قار او بهیری لشکر او فکند
از جنب ملک میمنه تا کوهسان گرفت
بنمود فتح شهر هرات و بداد جان
مردانه وار شهر هری را بجان گرفت
محسن سوال کرد زبیر خرد که آه
تاریخ فوت این شه غازی چسان گرفت
حوری سراز جنان بدر آورد در جواب
گفت از [امیرجاهد غازی] توان گرفت
سه نفریکه در تحت اثر میرزا محمد محسن خان دبیر الملک بنام میرزا
و منشی بیشتر از دگر همقطاران شهرت داشتند اول میرزا احمد خان
نوت : چون عدد امیرجاهد غازی بحساب جمل ۱۲۸۲ میشود و عدد جیم که سه است
از سرجنان بدر آورده شود ۱۲۷۹ باقی میماند که سال فوت شهریار موصوف است.

در عصر سلطنت اعلیحضرت
 میر محمد افضل خان مرحوم
 بعضی امور وزارت مالیه که
 عبارت از امر معافی مالیات
 و برقراری معاشات اعیان
 در بار آتوق میبود شخص
 پادشاه با حکام متعلق
 می پرداخت چنانچه این یک
 پارچه خط دیوانی که به
 مهر اعلیحضرت موصوف
 معهور است و در مقابل صفحه
 زنگوگراف شده است
 ثابت میکند که از حضور
 اعلیحضرت معدوح بعنوان
 حواله دار املاک محمد عمر
 خان قوئلزائی (جده نگارنده
 که از اعیان دربار شهریار
 موصوف بود) نگاشته شده
 است حواله دار املاک شخصی
 میبود که معاش سالانه خود را
 بحاصل امر قاعه دیوان اعلی
 از فرد زمین داران حاصل
 میکرد و زمین داری که خود
 رسمیت میداشت و یا مالیات
 اراضی او معاف و مرفوع



القلم میبود معرفی خط مامورین دوات بر حسب امر پادشاه و یا متصدی بزرگ دفاتر
 حکومت عصر بعنوان شخص دیگری از زمین داران ارقام می یافت و این از شواهد اقتدار
 مقام وزارت مالیه در اعصار گذشته بود که شخص پادشاه نیز بیارۀ امور دیوانی
 و حسابی مملکت واری میگرد. (متعلق صفحه ۳۸ رساله دیوان اعلی)



(۳۸)

ود گری میرزا احمد خان و د گری میرزا سیف الدین خان منشی [۱]
ود گری منشی اما مالدین خان و د گری میرزا محمد رضا خان بود
که از عهد امیر کمپیرنا اینوقت در جمله نویسندگان آن عصر شهرت داشتند:

نوت: در سال ۱۲۷۸ قمری حین مراجعت اعلیحضرت امیردوست محمد خان از جلال آباد بکابل
وقتی سردار محمد حسین را بهزارمجات که بتول و جایگیر سردار محمد اسلم خان برادرش
بود مامور فرمود میرزا عبدالعزیز خان نواده میرزا عبدالغفار خان را که در دولت
نادر شاه افشار منصب استغیا دیوان اعلی داشت بصفت منشی او مقرر ساخت و اموردیوانی
آنچارا نیز بر عهده وی گذاشت و امر کرد بمنزلی الیه با لشکر در موضع اعلی که قریب مضافات
هرات است رفته توقف ورزد تا اگر در هرات کنار شود رهسپار آن دیار گردد.

(ص ۲۴۱ سراج التواریخ)

مفصل این مجمل آنکه پس از قتل نادر شاه افشار ترکمان در ۱۱۶۰ قمری نظیر
باختلال و نفاقی که بین مردم ایران رونما شد یک عده نویسندگان مردم فارسی آنجا
در اوقاتی که اعلیحضرت احمد شاه درانی براریکه جها نیانی متمکن بود و حسن نیت
و عدالت او در همه دیار اشتها داشت در شهر قندهار بشرف خدمت شهنشاه افغان پیوستند
و شاه درانی در مهاجر نوازی و اسلام دوستی و رأفت که از اکثر سلاطین سبقت جسته بود
نویسندگان ایرانی را در قندهار حمایت کرد و نویسندگان ایرانی باعتبار مراجع
شاه درانی که در حیات او کسافه نام بوجودش اتکا داشت خواستار شدند تا ایشانرا
بشمول خدمت درد یوان اعلی مملکت امر سر افزای بخشند با آنکه تعداد نویسندگان
در خود مردم افغان زیاد بود شاه درانی از روی تقدیر خدمت آنها را پذیرفت و از آن
جمله نویسندگان ایرانی که بدو پذیرفته شدند میرزاهاشم خان (پدر میرزا اعوض
و میرزا عنبرین) میر علی خان خزیمه منشی هادی خان علی رضا خان میرزا عبدالغفار خان
امان الله خان و چند نفر دیگر بودند و میرزا عبدالغفار خان را که نواده اش میرزا عبدالعزیز
نام داشت ثابت میشود که از آغاز سلطنت درانی درد یوان اعلی و با استیفاء ممالک محروسه
بطور ارثی شامل خدمت بوده اند و این چند نفر دیگر مثل محمد عطا خان میر صفی الله خان
محسن خان میرزا خان میرزا کلان خان از کابل در قندهار رفته بودند و در سلک نویسندگان
دیوان اعلی شاه شرف ملازمت حاصل کرده بودند چنانچه میرزا رجب علی میرزا

(۳۹)

عصر سلطنت اعلیحضرت

امیر شیر علی خان

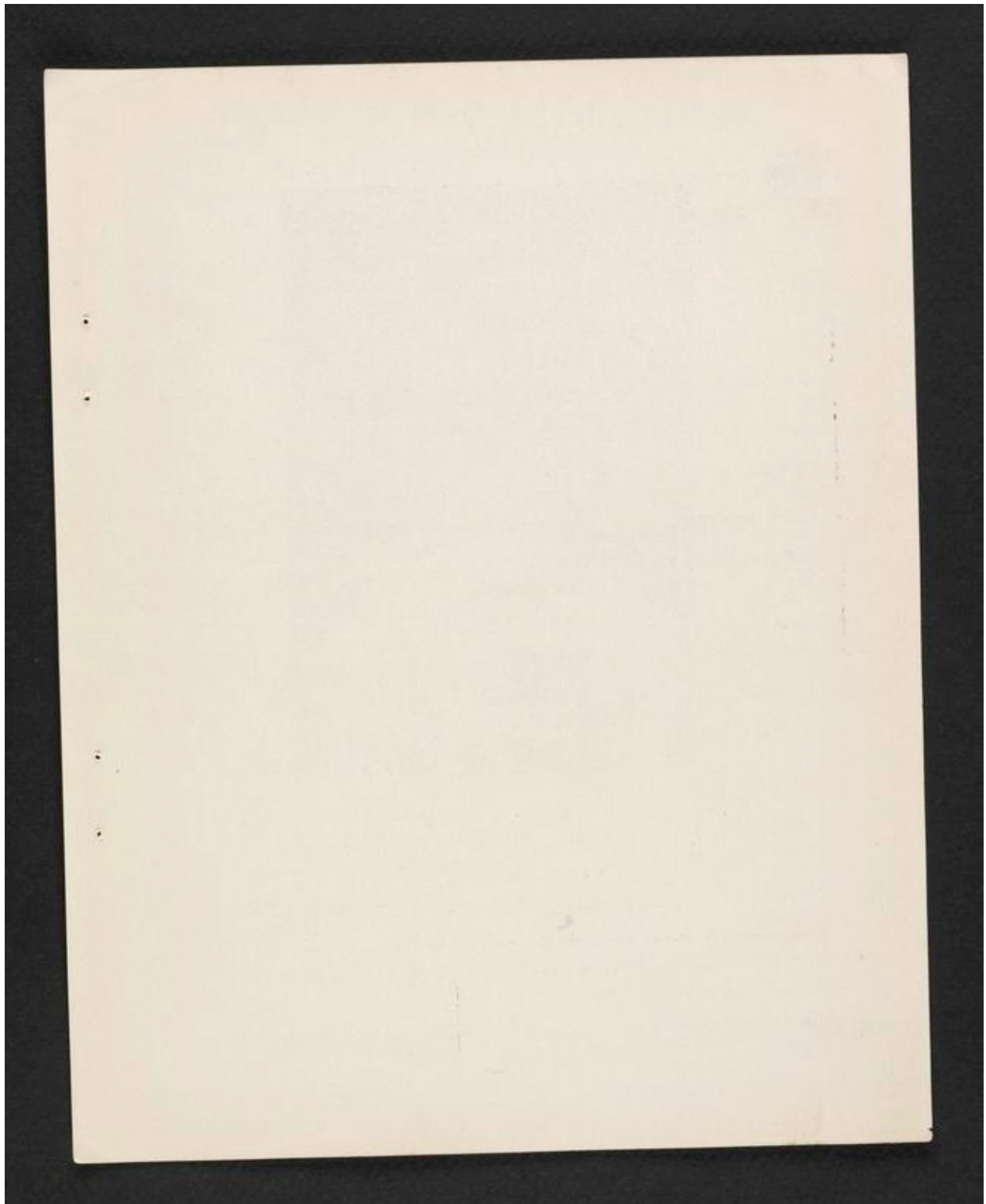
در عصر سلطنت اعلیحضرت امیر شیر علی خان و امیر محمد افضل خان و امیر محمد اعظم خان که در آوان سلطنت اعلیحضرت امیر شیر علی خان مرحوم هریک مدت کمی با خدسریر سلطنت نائل شده بودند [تشکیل دیوان اعلی وزارت مالیه به همان ترتیب و اصطلاح قدیم یاد میشد ولی نویسندگان مقتدری که بحیث وزیر مالیه بنام های مستوفی الممالک یاد شده اند اولاً شخص میرزا محمد محسن خان [سرمنشی] بود که به لقب دبیر المملک یاد شده است و بعد از حیات اعلیحضرت دوست محمد خان به همان منصب قدیم خود ادامه داد و شخص دیگری که در عصر سلطنت امیر شیر علی خان بشهرت مستوفی الممالک متصدی وزارت مالیه آن عصر [۲] از همه معاصرین مشهور و متمایز بود میرزا حبیب الله خان وردکی بود که در زبان زد عوام

بقیه حاشه صفحه ۲۸

محمد اکبر - میرزا عبدالهادی - میرزا اجال میرزا عوض میرزا علی محمد - میرزا عبدالرحیم - میرزا مهدی - میرزا محمد کریم - میرزا عنبرین که از مستوفیان و منشیان معاصر سلطنت اعلیحضرت شاه زمان و اعلیحضرت شاه محمود و اعلیحضرت شاه شجاع انداز خاندانهای همین چند نفر اند که در عهد اعلیحضرت احمد شاه کبیر از اسماء پدران ایشان نام بردیم . (۱) میرزا سیف الدین خان مؤلف اثر قیمتداری است که بنام (مجموعه منشآت اکثر منشیان مشهور زیبا رقم) در عصر اعلیحضرت امیر شیر علی خان تالیف کرده و اثر ایشان در کتابخانه شاهی کابل محفوظ است . (۲) معادل صدر اعظم در عصر حاضر .



جناب میرزا حبیب اللہ خان (قوم وردک) مستوفی الممالک عصر
سلطنت اعلیٰ حضرت امیر شیرعلی خان مرحوم یکی از نویسندگان
برجستہ و مشہور آن عصر کہ در صفت نویسندگی و سیاست مملکت
داری شخص لائانی بود چنانچہ حضرت علامہ استاد محمود بیگ خان
طرزی تصویر او را در سراج الاخبار افغانی بنام یادگارهای
تاریخی درج کرده اند (متعلق صفحہ ۲۰ رسالہ دیوان اعلیٰ)



(۴۰)

فواحی چهل تن یغمان را تا حال بنام [دره مستوفی] یاد می کنند و آن
شخص خیلی مدبر و کاردان و در عصر خود لائانی بود و حکومت عصر
زمام امور وزارت مالیه [استیفاً ممالک محروسه] را در کف با کیفیت
او مفوض داشت .

و قتی که میرزا حبیب الله خان مستوفی الممالک از حضور اعلیحضرت
امیر شیر علی خان بنائب الحکومتی هرات اعزام شد این وظیفه
به سید نور محمد شاه فوشنجی قندهاری تعلق گرفت که سید موصوف
از تاریخ جشن ولیمهدی شهزاده عبدالله جان از سنه ۱۲۸۹ قمری بر تبه
صدر اعظم برگزیده شده بود .

و قتی که سید نور محمد شاه خان فوشنجی زمام اختیار استیفاً ممالک را
بعنوان صدر اعظم در کف اقتدار خویش گرفت میرزا حبیب الله خان
مستوفی الممالک بنائب الحکومتی هرات اعزام گردید و نامبرده تقریباً
چهار سال بحکومت هرات بحیث نائب الحکومه قیام داشت .

در سنه ۱۲۹۳ قمری که اعلیحضرت امیر شیر علی خان از پراگندگی
و منتشر شدن اوراق دفتر و دیوان از میل نویسنده گان دزد باطن ظاهر
الصلاح خلل های بزرگی مشاهده کرد میرزا حبیب الله خان را از هرات جهت
تفتیش و تنظیم امور دیوان اعلی مملکت در کابل بخواست . در حال وصول
میرزا حبیب الله خان مستوفی الممالک مکتوب لارڈ لیستین ان اسکلیس حکمران
کشور هند بحضور اعلیحضرت امیر شیر علی خان در کابل بر رسید . اعلیحضرت
امیر شیر علی خان سید نور محمد شاه خان صدر اعظم را که تا آنوقت عهده

دیوان عالی ۵۰۰ جلد شیر محمد ن رجیملی

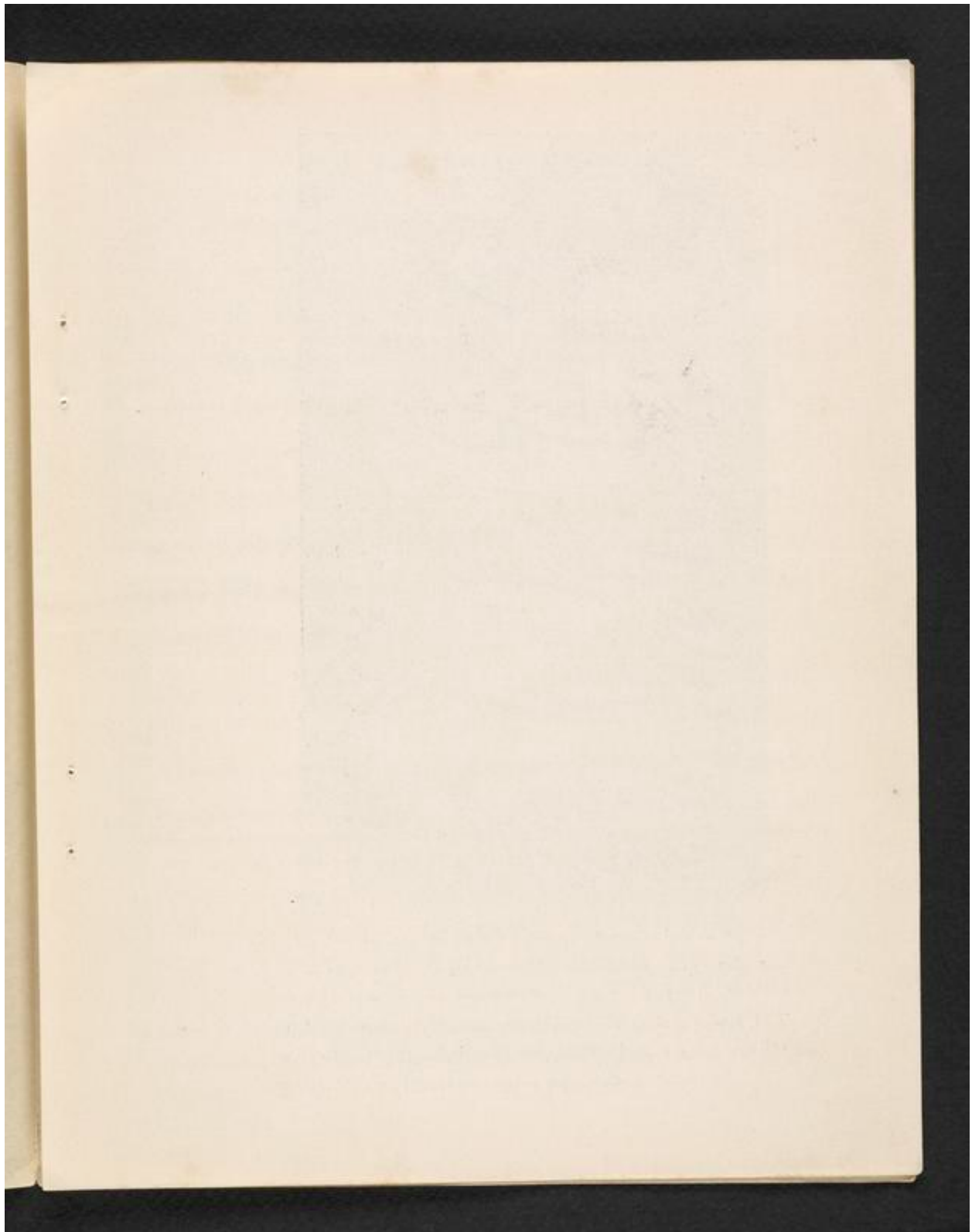
(۴۱)

استیفاً ممالك را بنام صدراعظم بر ذمت خویش داشت بحيث نماینده قزاق
حکمران کشور هند فرستاد و قتی که سید نور محمد شاه خان صدراعظم با هیئت
معیتی عازم پشاور شد در راه جلال آباد از قضای الهی فوت کرد بد
و در قبرستان موسوم به جبهه دفنش کردند - نام سید نور محمد شاه خان
صدراعظم با آنکه در افواه خلق چندان مشهور نیست ولی اعلیحضرت
امیر شیر علی خان مرحوم در اخبار شمس النهار [۱] ازان صدراعظم خویش
اسم برده است و همچنان در يك پارچه خط که به مهر اعلیحضرت
امیر شیر علی خان مهور و به عنوان جد امجد سردار محمد عمر خان
[عمر] نگاشته شده است از ثبوت اسم و رتبه صدارت سید موصوف
بخوبی شهادت میدهد غرض اینکه وظیفه شخص صدراعظم آنوقت عین همان
وظیفه استیفاً ممالك است که قبل از سلطنت اعلیحضرت ضیاء الملة والدین
امیر عبدالرحمن خان به اشخاص مذکور تعلق گرفته بود و شخص دیگری
که در عهد سلطنت اعلیحضرت امیر شیر علی خان باین رتبه احراز موقع
نمود میرزا محمد حسن خان دبیر اسبق بود که در جشن ولیمهدی شهزاده
عبدالله جان مکرر به لقب دبیر ملقب شد و اخیراً به رتبه یککنفر
مستوفی مقتدر در دیوان اعلی مملکت حق عضویت پیدا کرد و در
سنه ۱۲۸۸ قمری و قبل از اشغال مقام صدارت که سپس به آن رتبه جلیله

(۱) شمس النهار اولین اخباری است که در عصر سلطنت اعلیحضرت امیر شیر علی خان
مرحوم تحت نظارت شاه موصوف و نگارنده کی مولوی نور محمد نام در بالا حصار
کابل به چاپ سنگ انتشار می یافت و کنگسون آن اخبار در کابل نزد بعض اشخاص
دانش دوست موجود است ولی به ندرت پیدا میشود .

در شهریار
 خورشید معاش سید نور محمد شاه خان فوشنجی صدر اعظم عصر
 شهریار موصوف باسم جناب محمد عمر خان فوفانزانی (مباشراً لایات)
 ارقام یافته است و در قید رقعات خطی نگارنده موجود است
 و باوصفی که ازین گونه اسناد خطی زیاد داریم ولی این حکم نامه
 برای اثبات عنوان صدارت سید موصوف قیمتدار است.

این يك پارچه خط كوچك از حضور اعلی حضرت امیر شیرعلی خان
 مرحوم جهة معاش سید نور محمد شاه خان فوشنجی صدر اعظم عصر
 شهریار موصوف باسم جناب محمد عمر خان فوفانزانی (مباشراً لایات)
 ارقام یافته است و در قید رقعات خطی نگارنده موجود است
 و باوصفی که ازین گونه اسناد خطی زیاد داریم ولی این حکم نامه
 برای اثبات عنوان صدارت سید موصوف قیمتدار است.



(۴۲)

فائل شده بود (۱) حسب الامر اعلی حضرت امیر شیر علی خان معیت جنرال پالک
انگلینس از کابل جهت تعیین حدود بطرف سیستان مامور گردید
و پس از تعیین و تحدید سیستان و بلوچستان را با دولت ایران جهت
نکارش توثیق آن در طهران رفته و از راه بمبئی وارد کابل گردید
[۲] در خلال احوال مذکور میرزا حبیب الله خان مستوفی الممالک
[که در حال اعزام سید نور محمد شاه خان فوشنجی صدر اعظم بصوب پشاور]
از هرات وارد کابل گردید درین وقت که سید موصوف بر حمت ایزدی
پیوست بعوض صدر اعظم متوفاً بوظیفه سفارت آن که از پیش رقم شد تعیین
ور هکرای صوب پشاور گردید پس از انجام کار سفارت و وظیفه استیفاً
ممالک را بار دیگر اشغال کرد و بامور دیوان اعلی [وزارت مالیه عصر]
رسید کی نمود .

یکی از حکایات میرزا حبیب الله خان مستوفی الممالک اینست که
در سنه ۱۲۹۵ قمری که شهزاده عبدالله جان و امیرد فیرزند اعلی حضرت
امیر شیر علی خان فوت شده بود در حال تعزیه داری در همان روز

(۱) شخص میرزا محسن دبیر الملک عصر اعلی حضرت امیر دوست محمد خان که
مکرر در جشن ولیمه‌ی شهزاده عبد الله جان به لقب دبیر ملقب میشود معلوم است که
قبل ازین عهده بر وظیفه دیگری موزف بود ولی در تاریخ مملکت این قسمت خوبتر
واضح نیست در همه حال چون شخص با کفایت بود اخیراً برتبه جلیله صدر اعظم نیز
نائل شد .

(۲) از متن نکارش معلوم میشود که وظیفه وزیر خارجه و سقراء کبار در سلطنت
های گذشته توسط مستوفی الممالک و دبیران داشتند اجرا میکردند و این خدمات ایشان
علاوه بر خدمات حربی و اداری آنها بود .

(۴۳)

مکتوبی از طرف انگلیس در کابل مواصلت کرد با وصفی که کار
ضروری بود ولی هیچ يك از ارکان بزرگ سلطنت بتقدیم مکتوب مذکور
نظر به حزن و اندوه خاطر اعلیحضرت امیرشیرعلی خان از سبب فوت
فرزند دلبندش شهزاده عبداللہ جان احدی مبادرت نمی ورزید تا مکتوب
را از حضور شاه گذارش دهد. میرزا حبیب اللہ خان مستوفی الممالک نظر
به اقتدار خویش حضار مجلس فاتحه رادر کنش کرد و نامه انگلیس را
را از حضور امیرشیرعلی خان مرحوم گذارش داده و جواب انگلیس را
بعتاب ارسال نمود. در موقع فوت اعلیحضرت امیرشیرعلی خان مرحوم در بلخ
در ماه صفر ۱۲۹۶ قمری میرزا حبیب اللہ خان مستوفی الممالک اول نائب
استلا توف و بکتن دا کتر روسی را به معیت دوصد سوار تحت ادا رة
محمد حسن خان قزلباش که منصب اجید نی داشت در شب سوم فوت آن پادشاه
خلد آرامگاه زود از خاک افغانستان عبور داد. بعداً بعزم اطفای نائرة
شورش افواج تخته پل سیاست قابل قدری بکاربرد. چون نائرة شورش
افواج تخته پل خاموش گشت بمعیت سردار محمد هاشم خان و سردار نیک
محمد خان و سردار ذکریا خان و سردار محمد یعقوب (خان ثم امیر محمد
یعقوب خان) را بپادشاهی افغانستان برگزیدند و مستوفی الممالک مرحوم
در عهد سلطنت امیر محمد یعقوب خان نزد انگلیس ها بطور نماینده
در (خوشی) فرستاده شد. تا زمان اعلیحضرت امیر محمد یعقوب خان وظیفه
استیفاء ممالک به میرزا حبیب اللہ خان و همچنان وظیفه دفتر انشاء

(۴۴)

(دارالتحریر شاہی درعصر حاضر) : میرزا محمد نبی خان واصل و میرزا
محمد حسن خان دبیر تعلق گرفت (۱)

-
- (۱) اسماء چند نفر میرزا و منشی عصر اعلی حضرت امیر شیر علی خان مرحوم کہ
الی عصر سلطنت اعلی حضرت ضیاء الملة والدين امیر عبدالرحمن خان در رقعات خطی
ملاحظہ شد عبارت ازین چند نفر است کہ سوای مستوفی ها و منشی های مشہور آفوق
در دیوان استیفاء معا لك عضویت داشتند :
- ۱ : میرزا عبد العلی سر دفتر خالصہ جات .
 - ۲ : سلطان علی - محمد مرید - میر محمد عثمان - صفدر علی - اعضاء دیوان استیفاء .
 - ۳ : میرزا ظاہر - ہرجی مل زیر دستان فرہنج داس .

(۴۵)

عصر سلطنت اعلیحضرت

ضیاء الملة والدين

در عهد سلطنت اعلیحضرت ضیاء الملة والدين امير عبدالرحمن خان
میرزا محمد نبی خان واصل بحیث سردبیر [سرمنشی] کما فی السابق
بعهد خود پسندیده آمد و منزل سردار عنایت الله خان معین السلطنه صاحب
مرحوم [که چندی قبل ریاست مستقل مطبوعات آنرا اشغال کرده بود]
بنام سرای دبیر که همین میرزا محمد نبی خان واصل بود شهرت داشت
این سرای نشیمن گاه میرزا محمد نبی خان دبیر المملک بود که در زبان
دری دیوان مملکی در اشعار تصنیف کرده است و این دو مطلع ذیل از
اشعار هوصوف فی الموقع نگاشته میشود:

بیا ای از دهان نوش خندت حل مشکلیها

لبی چون غنچه خندان ساز و بکش عقده از دلها

مطلع دیگر

ساقیا فصل گل آمد می گلفام تو که

آب تو آتش تو پخته تو خام تو کسو

بقول میرزا محمد ناصر خان خوش نویس [اسبق منشی حضور اعلیحضرت
سراج الملة والدين امیر حبیب الله خان شهید] که خواهر زاده واصل
مرحوم بود حکایت میکرد که شخص واصل خیلی بد چهره و کوتاه قد وای
تقد مزاج و خبیث بود و شبیه ای نیست که واصل و میرزا عبدالرشید خان منشی
در عصر نزدیک در فن خود هالائافی و خیلی سیاست مدار بودند.

(۴۶)

پس از فوت میرزا حبیب‌الله خان مستوفی الممالک (از عصر اعلیحضرت
امیر شیرعلی خان تا اینوقت) عهده بزرگ امور اداری کشور و بالا تر
از همه کارپردازان دولت که آمریت امور دیوانی را از حیث وظیفه به
مستوفی الممالک باید تطبیق کرد در عصر سلطنت ضیاء الملة والدين سردار
نصرالله خان دو مین فرزند آن شاه خلد آرامگاه تعلق گرفت و در عصر
سلطنت پدرش ضیاء الملة والدين در رأس همه مستوفیان و کارپردازان
مملکت نظارت داشت زیرا که شخص اعلیحضرت ضیاء الملة والدين هم
بامور سیاسی داخلی مملکت و هم بر وظائف دول خارجه مصروفیت داشت و سردار
حبیب‌الله خان (ثم اعلیحضرت سراج الملة والدين امیر حبیب‌الله خان)
بر وظائف عسکری عصر می پرداختند از آن اشخاص که تحت اثر سردار
نصرالله خان) قائم مقام مستوفی الممالک یا وزیر مالیه) بر وظائف دیوانی
مملکت در انحال حق آمریت برد گران داشت اول میرزا میر محمد حسین
خان و بعد نرنجن داس وزیر دستان آن میرزا محمد طاهر و هر جی مل
هندو بودند و از دسته منشیان زبده که بعضاً ارتباط خاص با امور دیوان
مالیه داشتند بالمراتب تحت اثر سردار نصرالله خان (ثم نائب السلطنه) بر
وظائف مقرر و حسن خدمت بجا می‌کردند.

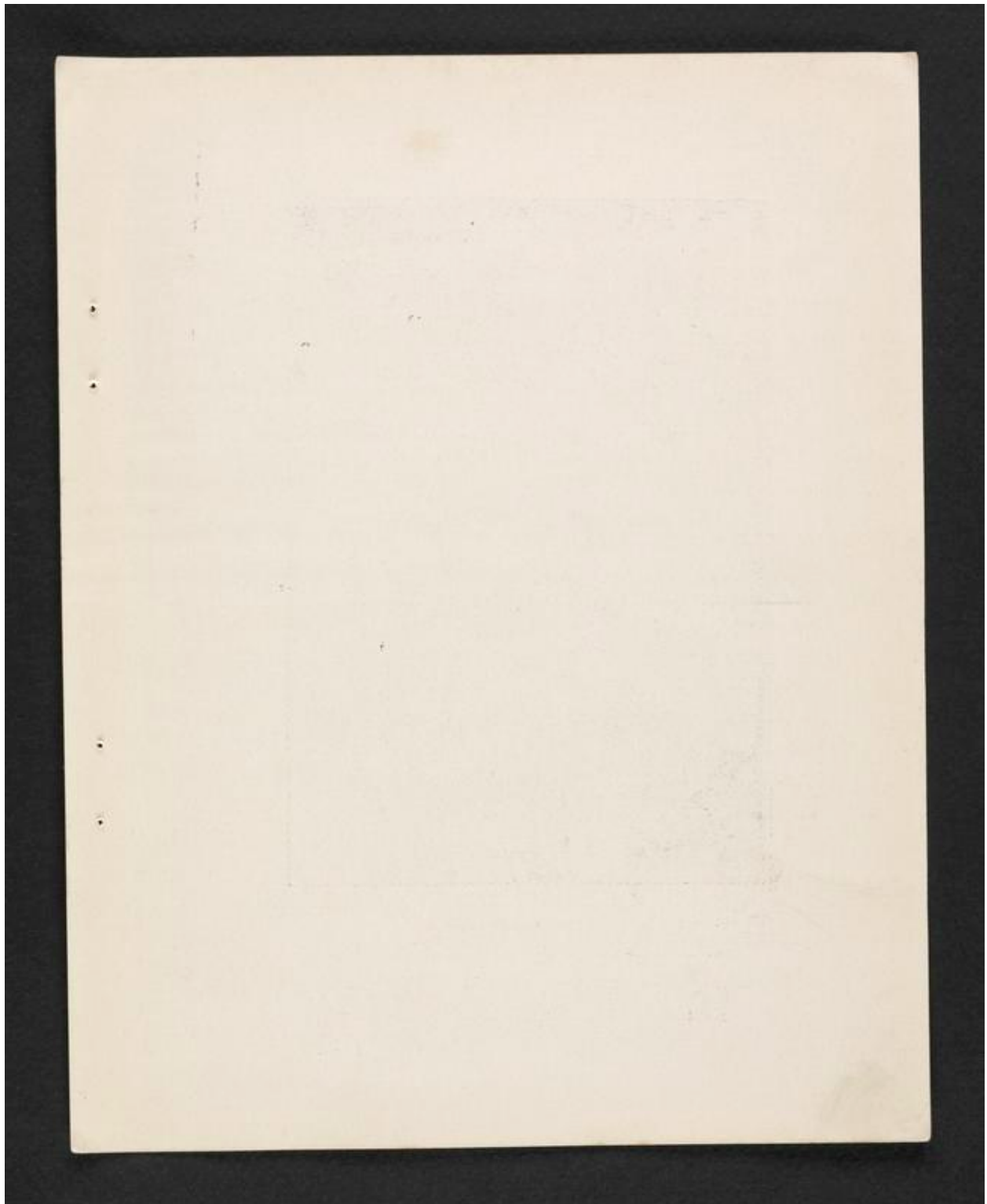
مستوفی‌های بلاد را در آن وقت غالباً سر رشته دار می‌نامیدند و اشخاص
دیگری بنام سر بولک و یا بولک دار و سارجن مهجر و سردفتر و امثال آن
که تحت اثر مستوفی الممالک در اطراف مملکت قرار داشتند کسانی بودند
که در عصر سلاطین سدوزائی معادل آنها را عمال و ضباط و مستاجر

(۷۲)

مالیات یاد کرده اند ولی عنوان مستوفی الممالک بطور مستقل مانند
ادوار گذشته بمیرزا میر محمد حسین خان و یا نر نجن هندوار تباط
نداشت و شخص سر دار نصرالله خان که زمامدار بزرگ امور دفتری عصر
بود قد جناب ایشان نیز عنوان استیفاء ممالک ندا شتند و محض زمام
اختیار بطور اعزاز و افتخاری بکف اقتدار آن شهزاده نامدار از طرف
اعلیحضرت ضیاءالملک والیدین سپرده شده بود شخص دیگری که در امور
دیوان و دفتر عصر سلطنت اعلیحضرت ضیاءالملک والیدین امیر عبدالرحمن
خان شهرت دفتر داری داشت ملک اصغر خان مرحوم ساکن ده افغانان
بود که با شهرت «ملک» خدمات زیادی را انجام داده و در اوقات طولانی
باصلاحیت کامل و به صداقت خدمت کرده است.



جناب میرزا محمد حسین خان مرحوم (قوم صافی) مستوفی
الملك وقائب سالار ملكی و نظا می در عصر سعد و تحضر
اعلی حضرت سراج الملة والدين امیر حبیب الله خان شهید
و آخرین شخصی که لقب استیقا . ملك در افغانستان
بختم عمر او اختتام یافت .



(۴۸)

عصر سلطنت اعلیٰ حضرت

سراج الملة والدين امير حبيب الله خان شهيد

در عصر سلطنت سراج الملة والدين امير حبيب الله خان شهيد اين عهد
بزرگ استيفاء ممالك در اواسط سلطنت آن شاه خلد آرمندگاه
بميرزا محمد حسين خان ملقب به مستوفی الممالك تعلق گرفت که موصوف
قبلاً در عصر ضياء الملة والدين امير عبد الرحمن خان کو توال و برکد
وسر دفتر محاسبات دولتی و درين وقت (سراج الملة والدين) برتبة نائب سالار
ملکی و نظامی و خانى سمت شمالی سراج فرزند و پس از شخص
نائب السلطنة افخم جناب سردار نصر الله خان مرحوم در تمام بلاد کشور
حق فرمان روائی داشت و آخرین شخصیکه سلسله خدمات گذشتهگان را
از حيث اسم وعهده داری دیوان اعلیٰ (وزارت مالیه) در مملکت
افغانستان قائم داشت همین شخص ميرزا محمد حسين خان مرحوم بود
که مسکن مالوف اوسید خیل کوه دامن از عشیره صافی می باشد و در ماه
حمل ۱۲۹۸ شمسی مطابق ماه رجب ۱۳۳۷ قمری در اثر اشتباهی
باهر اعلیٰ حضرت امان الله خان شاه مخلوع در کابل بشهادت رسید و در
اواخر عمر مرحوم کار پهنونهای آزاد نیز بوی تعلق داشت
جناب ملک الشعراء استاد بیتاب در باره مستوفی الممالك مرحوم
چه خوش میگوید:

بهشت مسکن مستوفی الممالك باد که رفت باز نظیرش ازین دیار نخواست
ازان بزرگ منش سر گروه اهل قلم نشان اندک اگر هست در خلیلی ماست

دیوان اعلیٰ ۵۰۰ جلد شیر محمد نرجی

(۴۹)

حاجی نظام الدین خان پدر محترم از اوصاف مرحوم حکایت می کنند
که در حال محکوم شدن اعدام در حصه مقتل بسکمال جرئت که در سیمای
او تغییری نبود چنین با نعره گفت :

مرا کشتی و تکبیری نسکفتی عجب سنکین دلی الله اکبر

پس از سنه ۱۲۹۸ شمسی لقب مستوفی الممالک - وکیل الرعایا -
دبیر المملک - امین المملک - امین الدوله - نظام المملک [۱] و خزانة چی
و مستاجر مالیات و امثال آن بطور عموم بلفظ وزیر - معین - رئیس -
مدیر - مأمور - سرکاتب - کاتب تبدیل یافت و داروغه مالیات و قاطر
و همهم چنانچه در قدیم اصطلاح بود به سر رشته دار تبدیل یافت و همچنان
صابط مالیات به مأمور ملیه تغییر کرد ولی تنها کلمه مستوفی تا هنوز

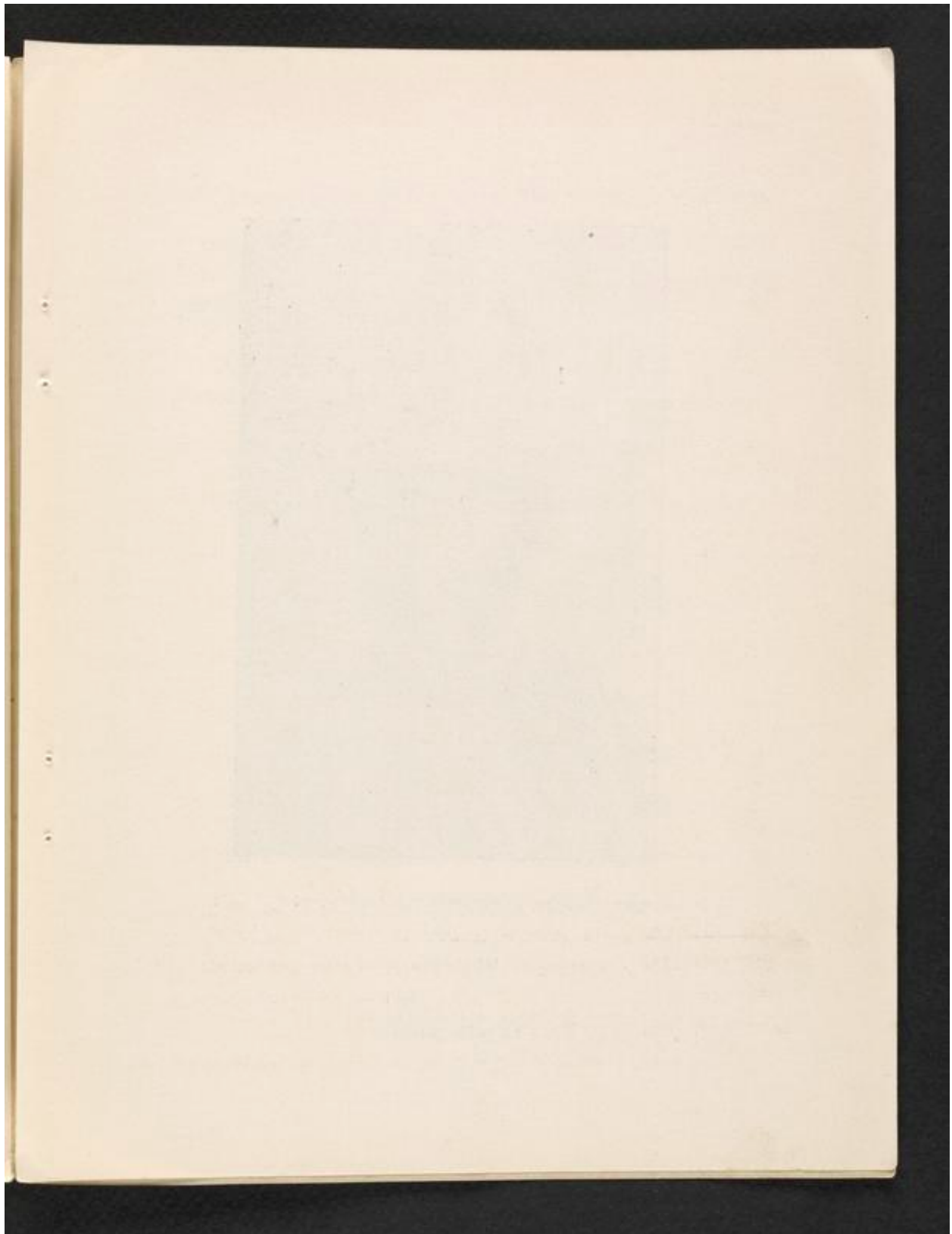
(۱) در عصر امیر کبیر اعلیحضرت دوست محمد خان لقب نظام الممالک و امین الدوله برای
حکام و رعایای ملی نیز خطاب شده بود مثلاً در سنه ۱۲۶۶ قمری در عهد امارت امیر کبیر
محمود خان نام سر ملی - که با اتفاق فتنه جویان اوزبک به آفجه را متصرف شد - آنوقت
سردار محمد افضل خان نایب الحکومه بلخ به همراهی و معاونت میر حکیم خان شیرغانی و غضنفر خان
اندخوشی محمود خان را مغلوب و دستگیر کرده و به مکافات کردارش بقتل رسانید .
و قتیکه سردار محمد افضل خان مرده فتح آفجه را از تصرف محمود خان و مقتول
شدن وی بحضور پدرش امیر کبیر در کابل معروض داشت در ذیل معروضه مرده فتح
از یاری و صداقت میر حکیم خان و غضنفر خان نیز یاددهائی نمود - امیر کبیر در اثر
پیشنهاد سردار محمد افضل خان پسر خود بهائزده خدمات میران مذکور فرمان حکومت
شیرغان را با لقب « نظام المملک » بنام میر حکیم خان اعطا فرمود و فرمان حکومت
الندخوی را با لقب « امین الدوله » اسمی میر غضنفر خان از دار السلطنه کابل امرامدار
بخشید و علاوه از حضور خود سجع مهر غضنفر خان را بدین بیت آراسته و در ترکستان
برای مزید افتخارش امر ارسال عنایت کرد :

والعفاف امیر دادگستر امین الدوله شد میر غضنفر



یکی از نویسندگان لائق و صادق وطن جناب میرزا محمد و خان
فوقزائی ولد احمد خان اسبق برگزیده نظامی و امین نظام
اولین شخصی که در تشکیل حکومت اما نیه بعنوان وزیر مالیه
در مملکت شناخته شده اند .

«متعلق صفحه ۵۱ رساله دیوان اعلی»



(۵۰۰)

در مملکت عزیز حمایت شده است مگر حیثیت مستوفی هادر اهرور
به تناسب اقتدار مستوفی های ادوار گذشته مطابق نیست بطوری که
مطالعه کردیم مستوفی الممالک تقریباً و بلکه عیناً صدر اعظم در عصر
حاضر و مستوفی معادل وزیر نفوذ و اقتدار داشت و قیامی که ملاحظه
کردیم ^{بین} صدر اعظم و مستوفی الممالک در اعصار گذشته چه در ایران
و چه در افغانستان فرقی نبود ولی بار صغی که در عهد سلطنت اعلیحضرت
امیر حبیب الله خان شهید عنوان های دیگری مانند اعتماد الدوله
دارا لعدالت [وزارت عدلیه] و ایشیک اقاسی نظامی و ایشیک اقاسی
ملکی و ایشیک اقاسی خارجه و کذا نائب سالار و امین نظام و امثال
آن علاوه شد مگر عهده استیفاء ممالک را نتوانستند از بین ببرند زیرا آن
شعبه بزرگت بپاداشتن وظیفه معین مثل وزارت مالیه - تجارت - کمرک
اهرور تقریباً به دیوان اعلی [عصر سدوزائی] شباهت میرساند و بدلائلی
که ذکر شد مقام و نفوذ خود را تا این او آخر حفاظت کرد و حتی گویند که
میرزا محمد حسین خان مستوفی الممالک بحدی مقتدر بود که بعد از شخص پادشاه
احدی باین مرتبه در امور مملکتی اقتدار نداشت و بلکه اعلیحضرت سراج المله
والدین بدون همراهی مستوفی در هیچ یک سفر دور و یا نزدیک حرکت نمیکرد
و آن حیثیتی که دیوان اعلی و دارنده آن در ادوار گذشته داشت درین
تزدیکی ها میرزا محمد حسین خان تقریباً شباهت بهم رساند و نفوذ مقام

(۵۱)

و صلاحیت تام خود را تا این اواخر نگهبانی کرد [۱] از سنه ۱۲۹۸ شمسی
 با اینطرف در افغانستان در تشکیل حکومت عصر دیوان اعلی و با دیوان
 مالیه و با استیفای مالک محروسه بنام وزارت مالیه تبدیل یافت و صلاحیتی
 که در ادوار گذشته بر تمام امور مملکت داشت از اقتدار داورنده
 وزیر مالیه بدرشد مثلاً در پهلوی عنوان وزارت مالیه وزارت خارجه
 حربیه - داخله - تجارت - زراعت - عدلیه افزود شد و هر وزارت
 اندازه کار و وظائف خود را عندالاقضاء از وزارت مالیه [اسبق دیوان
 اعلی مملکت] مجزا ساختند و همه ادارات بسزرگ و کوچک از وزارت
 مالیه منفک شدند و شکل مستقلی بخود گرفتند که در اصل همه آنها
 از ارکان وزارت مالیه و متصدیان آن از اعضا آن مقام بشمار میرفتند:
 در آغاز دوره امالیه تشکیل کابینه چنین بعمل آمد:

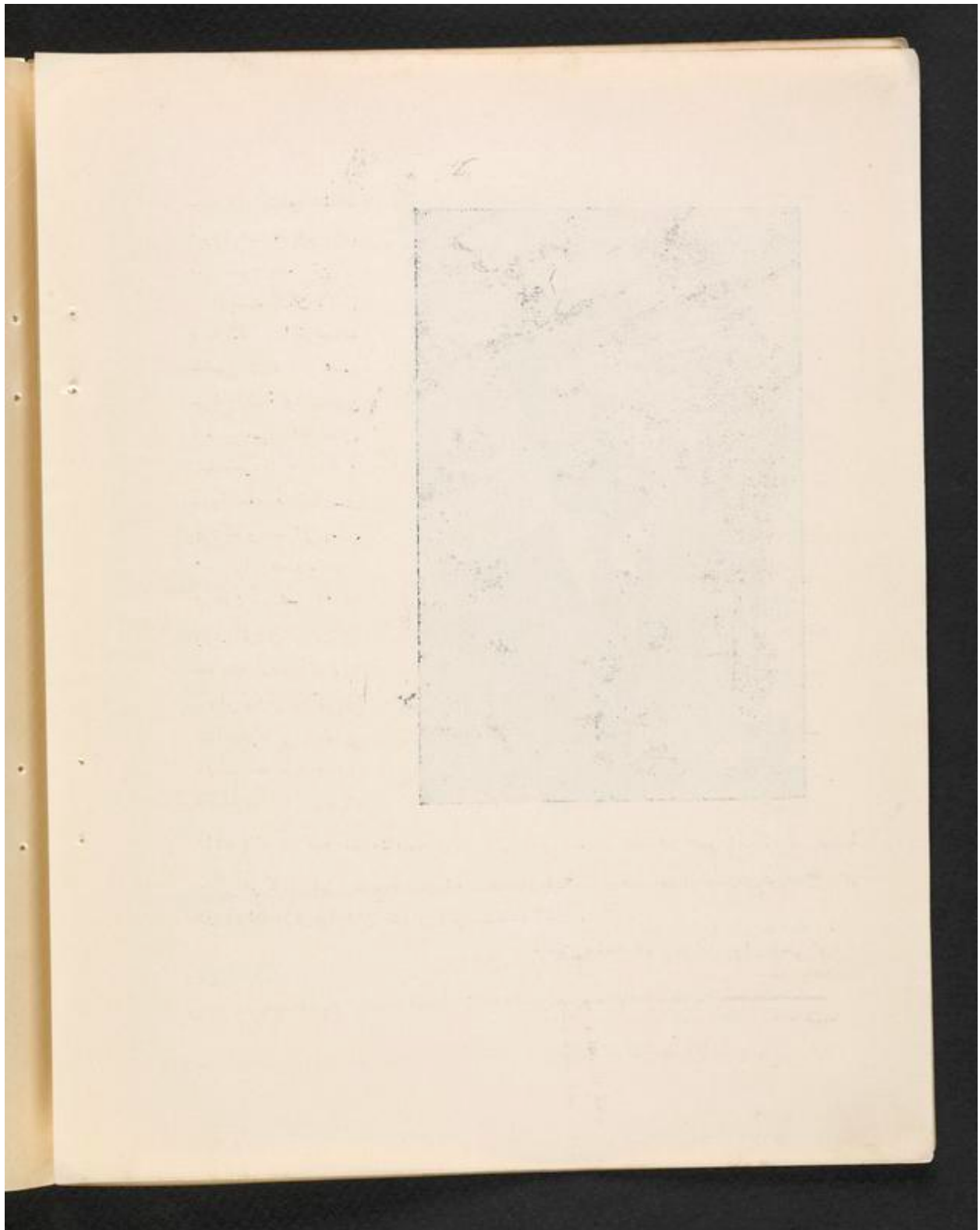
- ۱ - سیه سالار [اعلی حضرت غازی محمد نادر شاه شهید]
- ۲ - وزیر خارجه: مرحوم جناب استاد محمود بیگلر خان طرزی
- ۳ - مرحوم علی احمد خان وزیر داخله
- ۴: مرحوم میرزا محمود خان ولد احمد خان قوم فوغلزائی وزیر مالیه
- ۵: مرحوم عظیم الله خان صد وزائی وزیر زراعت
- ۶: مرحوم غلام محمد خان وزیر تجارت

[۱] میرزا ابوالقاسم خان نام هم از جمله کارگذاران دیوان شاهی در عهد سلطنت
 اعلی حضرت سراج الاله والدين بوده اند ولی میرزا ابوالقاسم خان مذکور در جمله
 نویسندگان و کارپردازان عصر سراجیه مانند دیگر شخصیت های اداری و حسابی
 آنقدر شهرت ندارند.



سیادت پشاه جناب
میرزا میرزاهاشم خان
مرحوم یک تن از
نویسندگان لائق
و با کفایت افغانستان
شخصی که در عصر
سراج المله والیدین
امیر حبیب الله خان
شهید سردار ما شایسته
دارالسلطنه کابل
بودند و بعد از جناب
میرزا محمود خان
مرحوم در عصر امانیه
وزیر مالیه در مملکت
شناخته شده اند و در
آوان وزارت خویش
در امور مالی و حسابی
دولت خدمات قابل
قدری را انجام

داده اند چنانچه نظامنامه های مالیاتی افغانستان که در عصر امانیه در مطبعه
سنکی شرکت رفیق مطبع رسیده است همه از یادگار عصر وزارت موصوف است که
در آوان وزارت ایشان تدوین و ترتیب شده است .
« متعلق صفحه ۲ رساله دیوان اعلی »



(۵۲)

۷: مرحوم محمد ابراهیم خان بارکزائی وزیر عدلیه [۱]

از جمله وزراء اول وزارت مالیه در عصر امانیه اول میرزا محمود خان
فولزائی اسبق امین نظام - دوم سیادت پناه میرزا میرهاشم خان دران دوره
بیشتر شهرت و قدمت داشتند ولی باید گفت که ازین دو تن محض بعنوان
وزیر مالیه دران عصر نام می بریم نه بشام متصدی [دیوان هما یون اعلی]
زیرا که وظیفه وزارت مالیه عصر امانیه و عصر حاضر جزء وظایف
دیوان اعلی در ادوار ما قبل بشمار میرفت و در سابق رجال ملکی بهر دو
وظیفه ملکی و نظامی ویر جمیع امور کشوری و لشکری حق مشارکت و بر تمام
مملکت صلاحیت فرمانروائی داشتند [۲] و امر حمل و نقل تمام مملکت که
قبلاً به دیوان اعلی ارتباط داشت و امر حمل و نقل تحت فرمان و استیفاء
ممالک بدان رسیدگی میکرد در آغاز دوره امانیه مانند دیگر ادارات
از وزارت مالیه منفک شده عنوان مستقل [مدیریت عمومی قلیه] بخود گرفت
و از جمیع امور حمل و نقل افغانستان رسیدگی میکرد و اعضاء مدیر عمومی
قلیه در تمام نقاط افغانستان برای اجراء او امر حکومتی بمنزله وزیر
اجراء میکردند. اولین مدیر عمومی قلیه عصر امانیه نظام الدین خان
فولزائی [یادگارنده] بودند و این اداره نیز در ادوار ما قبل جزء دیوان
اعلی مملکت بود و در عصر امانیه عنوان مستقل حاصل کرد [۳].

[۱] تشکیل کابینه عصر اعلیحضرت امان الله خان شاه مغاوغ با ستاد صفحه ۱۸۵
کتاب نادرا افغان مطبوعه مطبوعه عمومی کابل از قلم یافت.

(۲) ورقه یا سیورت را که در قدیم خط راهداری میگفتند در یک پارچه که نزدیکه
موجود است در ظهر کاغذ مهر مستوفی الممالک مهور بست و امهر مستوفی الممالک
اعتبار یافته است.

(۳) رسمیت و خدمات مدیر عمومی قلیه نظیر با ستاد ایشان که در دست دارند ثابت است.

(۵۳)

در برج میزان سنه ۱۳۰۸ شمسی که زمام سلطنت افغانستان بر کف
با کفایت اعلیحضرت محمد نادر شاه مبرور قرار گرفت. معظم له دو قسمت
تشکیل اساسی سلطنت شاهی افغانستان و توسیع ادارات کشوری بیش از پیش
کوشیدند که از آن جمله وزارت مالیه در قطار سایر وزارت ها مقام
خود را که از نقطه نظر امور مالی و حسابی در مملکت حق اوایت دارد
با انضباط شعبات و وظائف مربوطه خویش کوشید و در پهلوی وزارت مالیه
علاوه بر دیگر وزارت ها یک که در عصر سلطنت شاه مخلوع اعلیحضرت
آمان الله خان ایجاد شده بود وزارت مخابرات - معادن - فوائد عامه نیز
بوجود آمد و بالاخر وزارت تجارت بعنوان وزارت اقتصاد مبدل گردید
و شخصیکه در ابتدای سلطنت اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید زمام
امور این وزارت را بدست گرفت اول میرزا محمد ایوب خان بود
که بعد از حیات جناب میرزا میر هاشم خان آقا آخرین وزیر مالیه عصر
سلطنت اعلیحضرت آمان الله خان در ختم دوره انقلاب وفات یافتند در رأس
وزارت مالیه قرار داشتند و سپس میرزا محمد خان یفتلی بحیث وزیر تجارت
و وکیل وزارت مالیه شناخته شدند و میرزا محمد خان یفتلی مدت مدیدی از عصر
سلطنت اعلیحضرت شهید الهی نیمه دوره درخشان ظاهر شاهی در تمام دوره
زمانه داری و الاحضرت مرحوم سردار محمد هاشم خان سد را عظم بعضا

نوت: متن صفحات متعلق عصر سعاد تجدد اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید
و عصر درخشان ظاهر شاهی استناد با نامه های کتابی نگارش یافته است.

پنج نفر از وزراء و زما مداران محترم معاصر وزارت مایه که از بدو سلطنت
ا علی حضرت قازی محمد نادر شاه شهید تا دوره درخشان سلطنت ظاهر شاه در امتداد
تصدی امور مالی و حسابی مملکت وقتاً فوقتاً مصدر خدمات قابل قدری شده اند



پاغلی میرزا احمد خان یغلی



پاغلی میرزا احمد ایوب خان



پاغلی میر محمد حیدر خان حسینی



پاغلی میرزا محمد نوروز خان



نيماغلی غلام يحيی خان طرزی

(۵۴)

بحیث وزیر تجارت و وکیل وزارت مالیه و اغلب بعنوان وزیر مالیه
در رأس این وزارت قرار داشتند.

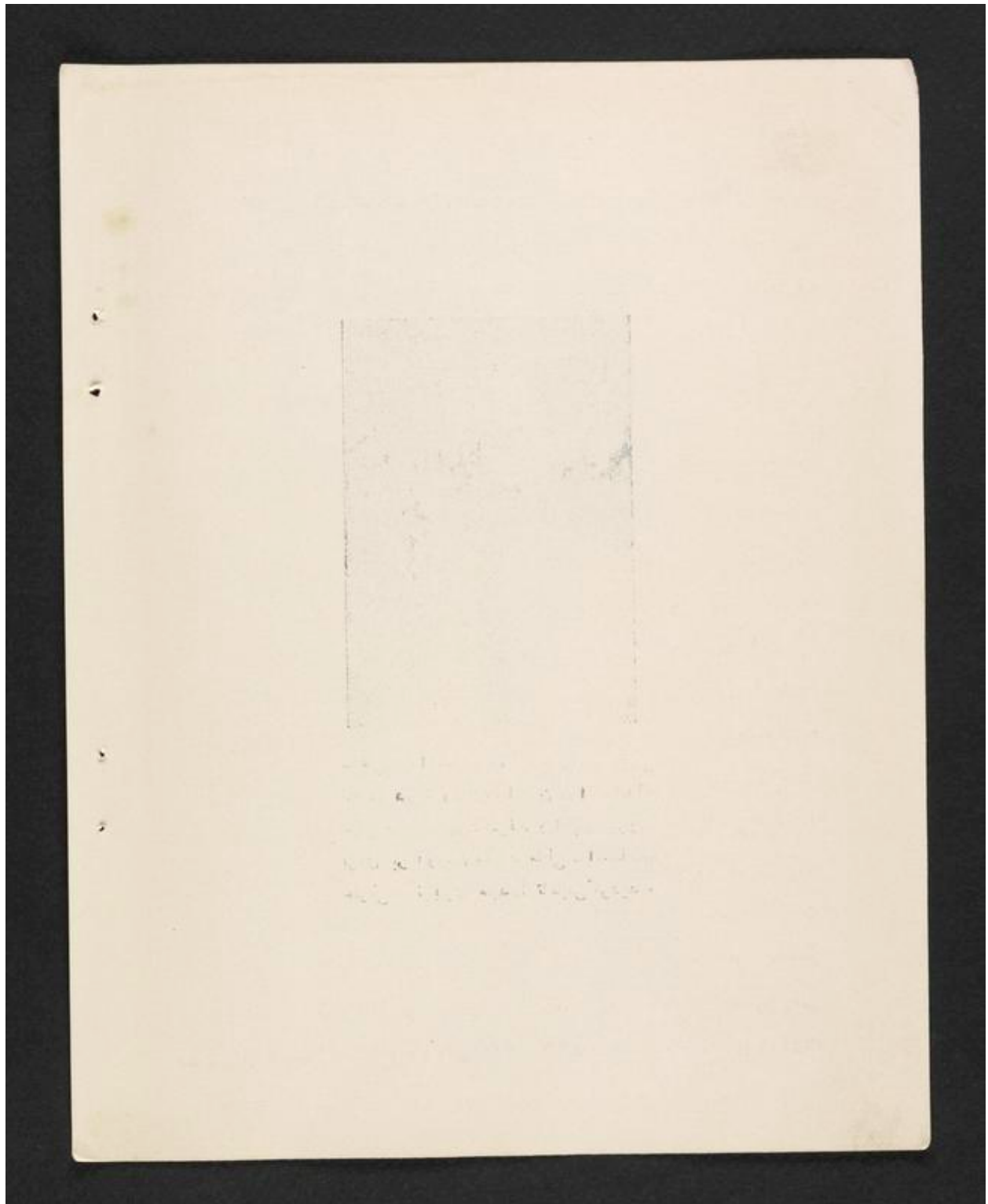
و قتی که عنوان وزارت تجارت بعنوان وزارت اقتصاد ملی مبدل
گردید و بناهای عبدالمجید خان زابلی بنام وزیر اقتصاد شناخته شدند
این وقت میرزا محمد خان بقتلی تنها عهده وزارت مالیه را بر دوش داشتند
سپس شخصی که درین عصر بنام وزیر مالیه در آن مقام برگزیده شد
میرزا محمد نوروز خان بودند که بعد از طی يك دوره خدمت در تشکیلات
کابینه والا حضرت غازی سردار شاه محمود خان سپه سالار و صدراعظم
بحیث وزیر داخله شناخته شدند و همدی بطور مکرر نیز در رأس وزارت
مالیه قرار داشتند و در تغییر کابینه والا حضرت اشرف سپه سالار
میر محمد حیدر خان حسینی زمام اختیار این وزارت را بدست خویش گرفتند
و بعد از طی دوره های خدمت آنها جناب غلام یحیی خان طریقی بحیث وزیر
مالیه عزت قرار حاصل کردند و جناب موصوف الی ختم سدارت والا حضرت
سردار شاه محمود خان سپه سالار درین وظیفه مهمه ابراز خدمتگزاری بجا
کردند و در آغاز سدارت والا حضرت سردار محمد داؤد خان صدراعظم افغانستان
در تشکیلات کابینه ایشان عبدالملك عبدالرحیم زی [وزیر مالیه]
بنا برین عهده گماشته شدند.

توضیح

لفظ اعلی را که در عنوان این اداره قبلاً نسبت کرده بودند سبب آن بود که خود کلمه اعلی و یاد یوان همایون اعلی حاکیست مطلق خود را بر تمام ادارات حکومت عصر ثابت میکرد و چیزی که با احترام شخصیت های متصدیان او در اعصار پیشین می افزود همین که باد اشتغال این عهده بزرگ از انجام هیچ وظیفه دیگر روگردان نشده اند و محض نظریات حکومت خویش را فکراً بودند بهر طرف و بهر خدمتی که اعزام میشدند خصوصاً در محاربات آنوقت بدون مسامحه بحیث یک جنرال بزرگ داخل کار زار میکردید و این جنرال ها گاهی بنام سفارت گاهی بعنوان سدارت موقتی بنام استیفاء ممالک زهائی بنام اردو باشی امیر لشکر نائب سالار ، خدمات مهم عسکری و ملکی را نیز انجام میدادند ولی تأسف بزرگ اینجا است که خلال صفحات تاریخ افغانستان را جنگ نامه ها احتوا کرده و واقعات خونین در بر گرفته و مؤرخان گذشته بتذکره احوال رجال کشوری و عرفانی مملکت با هر فضیلتی که در گذشته اند کمتر از شرح زندگی آنان حرف می زنند و اسنادی که از حق خدمت و مسرا نب شخصیت هر یک شهادت دهد چه از حیث انقضای ایام و چه در امور تقالیب زمان و خصوصاً دست استعماری که در اوایل قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ در مملکت عزیز دراز شد و وضع خانه بر انداز داخلی و خارجی افتتاحات خاندان ها را که هر بوط و فائق ذی قیمت و مجموعه آن سرمایه بزرگ



نیاغلی عبدالملک عبدالرحیم زی، - شخصی
که در دورۀ وزارت ایشان وزارت مالیہ
شکل برتری بخود گرفت و اخبار ثروت
برای بر آوردن مقاصد مالی - اقتصادی
حقوفی - تربیوی مجدداً تاسیس گردید .



(۵۹)

مفاخر ملی را بازمی آورد از بین برد و الحال ادراک سوانح مفصل و مستند
اشخاص را که شرح آن بحسن خدمات مردان مدبر و افتخار انبای عصر
ببفزاید از نظر خدمات سیاسی و عسکری علی العموم و از نظر امور کشوری
علی الخصوص محال و مشکل میدانیم:

اینوقت اشخاص متمتع و کسانیکه در جستجوی اینگونه معلومات
از حیث وظیفه و یا از فرط ذوق خود را مکلف میدادند و یا بدینگونه داستانها
سر و کاری دارند مشکلات را خوب حس می کنند.

علت بزرگ تذکره پردازی و یا نقص تاریخ نویسی در مملکت ما از
اینجا است که طبعاً در خود عصر نویسنده از سببی آکه نگارش او پهلوهایی
دیگری پیدا نکند به نگارش تاریخ و تذکره علناً مبادرت نه ورزیده
است و اگر در اخفا چیزی نگاشته است طوری که در بالا گفتیم تقالیب زمان
از بین برد و اگر بخواهیم این مفکوره را با دلائلی بیشتر ایضاح کنیم در
وطن ما چون روح مساعدت و همکاری با همی کمتر وجود دارد و علاوه بر
بقدر دانی از خدمات رجال سلف تا هنوز بطور یسکه شاید عادت نگرفته ایم
لهذا هر کس یکی از نسخه های قلمی را اگر با خود دارد از حیث عدم مشارکت
با افتخارات ملی چه از سپردن بمنصب طبع و نشر و چه از تعریف با اشخاص نویسنده
ایهامی ورزند و اقلاً گروه نویسنده هم در مملکت ها تا عقد جائزه را در
مقابل آثار ایشان بعمل نیاورند و یا از طرف حکومت با هری رسماً موظف
نگردند در راه افتخارات ملی قدم و قلم کو تمام میدارند.

ازین احاطه بسی کتب خطی و اسناد تاریخی منحصر با اشخاص مفکوره ها

(۵۷)

های احساسیون در کله‌های پرورد ولی امید داریم که از اثر تنویر
افغان عامه وقتی که افتخارات ملی را حق مشترک افراد جامعه دانند آن را
و افکار جمعیت کارهای بزرگی را که امثال بیشتر اینگونه آرزوهای
دیرینه و آمال پسندیده باشد بدون نفوق و تعصب بوجود خواهند آورد
و این غنیمت است که در حال عدم وسائل کافی و با شرائطی که این مقاصد
را زودتر انجام دهد و اثر سعی چند نفر محدود چنین نگارش و تذکره
های مختصر از برای تحریک و ترویج افکار توده بوجود می‌آید و نقائصی که
اگر فعلاً در نگارش بنده و یا سائرین پدیدار است توجه کسانی را که در باره
اشخاص سلف معلومات بیشتری از حیث قرابت قومی و یا نسبت نواده‌گی
داشته باشند و یا باین وظائف اختصاص و علائقی دارند معطوف میدارم شاید
در اثر کنجداوی ایشان سلسله این مقاله از رساله در گذشته صورت کتابی را
در تاریخ نوع تحصیل مالیات و طرز دفتر داری ادوار گذشته و تذکره مفصل
زندگانی خدام نامدار و و قاضی افغانستان در بر خواهد گرفت و همچو مجموعه
افتخارات ملی را که درین مواقع مساعد جمع آوری شده و میشود در محضر
استفاده هموطنان و هواخواهان اعتلای وطن تقدیم نمایند و علمی المعجالت
این چند صفحه مختصر را که خالی از سهو و اشتباه نخواهد بود درین مورد
محرك فكر خود دانسته از روی همکاری مضامینی نگاشته و بجزیده ثروت
ارسال دارند تا باشد که بعنایت عمیق حفظ و بایزد توانا در اثر غور و تعمق
مزید اشخاص خبیر مضامین زیادی در آینده قریب بوجود آید و به یمن
همت وزیر هالیه که روح تازه‌ای را در کالبد دوسودوده ساله این وزارت

(۵۸)

میخواهد در آورد و لفظ تاریخی او را به معنی امروزی آرزو دارد در اثر
فعالیت تطبیق دهد و همچنان نویسنده جوان بنا علی محمد یونس حیران
که از اثر قلم ایشان جریده زیرمه «قروت» در وطن اشاعه می باید مسرات
دگر را از اثر مضامین مفید عرفانی - تاریخی - مالی - اقتصادی با بنای
مملکت مرزده مطالعه می بخشد - و این احقر با گرفتاری زیادی که در مطبعه
عمومی کابل دارم تا حد قدرت درین باره دریغ نکردم :

عشق می ورزم و امید که این فن شریف
چون هنرهای دگر موجب حرم مان شود



(۵۹)

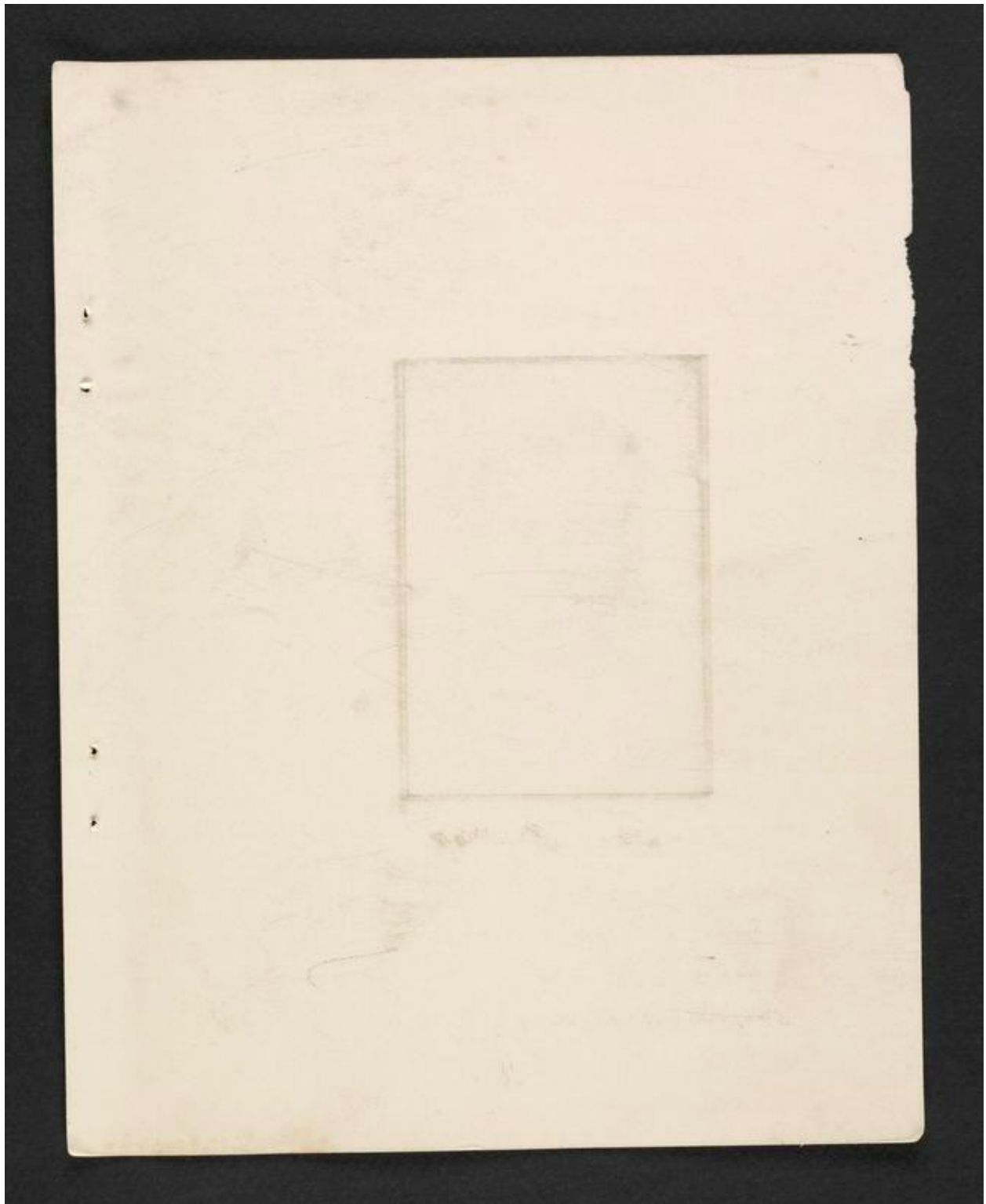
ماخذ و مدارك اين رساله

چون مطالع تاريخ متوجه ماخذ اثر منطبق مبيا شد لازم است كه بفرض
اتكاء خواننده. ماخذ ذيل را بپردازم تا در قسمتي اگر باشتباهي برخورد
ياصل ماخذ مراجعه فرمايند :

- ۱ : تاريخ ايران اثر سر جان مالكم انگليس ترجمه ميرزا اسماعيل
حيوت ايراني.
- ۲ : متمم روضة الصفاي ناصري
- ۳ : مجمل التواريخ و زنده - اثر ميرزا ابوالحسن.
- ۴ : جلد دوم مطلع الشمس - طبع ايران.
- ۵ : اردو كشي نادر شاه [اشار به هندوستان] اثر كر نيل مكشيشف
روسي ترجمه و طبع ايران
- ۶ : نادر شاه فرزند شمشير اثر نور الله لارودي طبع طهران.
- ۷ : تاريخ افغانستان اثر شهزاده علي قلي ميرزا نسخه قلمي.
- ۸ : تاريخ احمد شاه دراني اثر منشي عبد الكريم نسخه قلمي.
- ۹ : سير المتاخيرين اثر طباطبائي طبع هند
- ۱۰ : تاريخ افغانه اثر سيد ظهور الحسن موسوي
- ۱۱ : حيات افغاني اثر ديتي محمد حيات خان
- ۱۲ : خورشيد جهان اثر شير محمد خان كندا پوري
- ۱۳ : جوامع التواريخ اثر قاضي فقير محمد



عزیز الدین وکیلی « فوٹوگرافی »

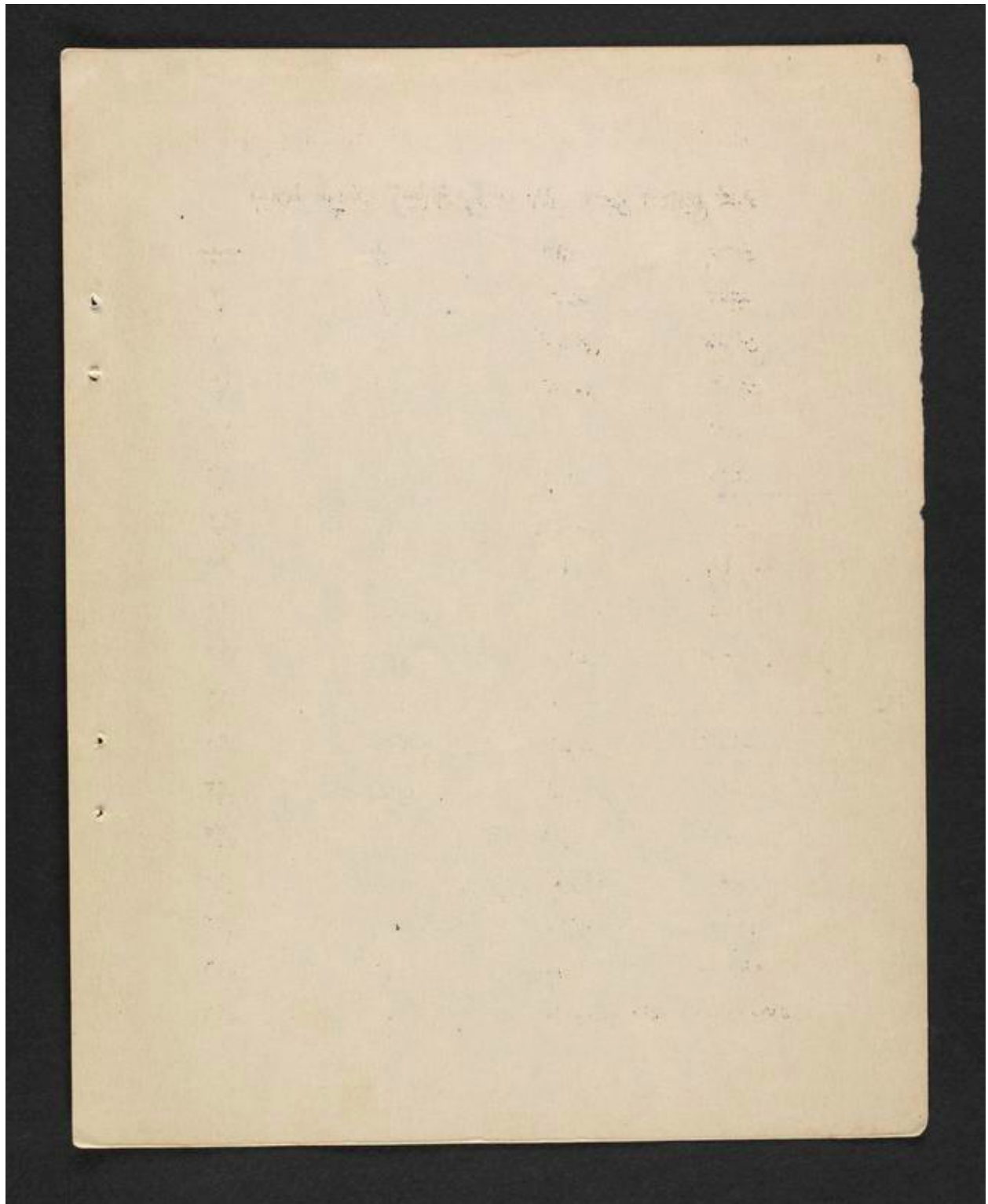


(۶۰)

- ۱۴ : تاریخ افغانستان - اثر منشی احمد جان
- ۱۵ : تاریخ سلطانی اثر سلطان محمد خان خاص .
- ۱۶ : تاج التواریخ اثر ضیاء الملة والدين امير عبدالرحمن خان .
- ۱۷ : جلد اول و دوم سراج التواریخ اثر ملا فیض محمد مغل - طبع کابل
- ۱۸ : شماره های سراج لاخبار افغانی -
- ۱۹ : کتاب موسوم به واقعات شاه شجاع - طبع کابل .
- ۲۰ : کتاب موسوم به عروج بار کزائی طبع کابل .
- ۲۱ : احمد شاه بابا اثر میر غلام محمد خان غبار طبع کابل .
- ۲۲ : درزو ایای تاریخ معاصر افغانستان اثر کهزاد - رئیس انجمن تاریخ .
- ۲۳ : کتاب نادر افغان - اثر مولوی برهان الدین کشکسکی - طبع کابل
- ۲۴ : کتاب تاریخ تیمور شاه درانی - اثر اینجانب مستند بر اسناد معتبر خطی و نقل کتبیها و اشعار تاریخی .
- ۲۵ : کتاب موسوم به درة الزمان اثر اینجانب [تحت تالیف است و تا هنوز به منصفه طبع و نشر سپرده نشده است] .
- ۲۶ : رقعات خطی از عصر اعلیحضرت امیر دوست محمد خان الی عصر سراجیه و امایه . [قید مرقع اسناد شخصی نگارنده]

اغلاط طباعتی رساله دیوان اعلیٰ چنین تصحیح شود

صفحه	سطر	غلاط	صحت
۷	۷	معتبر	معتبر
۷	۱۰	دیوای	دیوان
۱۳	۱۴	خدمتی	خدمت
۱۵	۷	شا	شاه
۱۷	۷	زسنه	ازسنه
۱۷	۱۴	وراسی	وارسی
۲۰	۱۶	با آنکه	به آنکه
۲۰	۲۳-۲۰	قدرام	قدرام
۲۲	۱۱	فرضه	فرره
۲۹	۱۸	نز	نزد
۳۱	۱۴	اساسی	اساس
۳۳	سطراخیر	فصل	مفصل
۳۵	۶	شیر	شعر
۴۰	۱۸	میرزا	میرزا
۴۲	۱۳	ولیعهد	ولیعهد
۴۹	۱۷	معرضه	معروضه
۵۶	۲۰	مفکوره‌های	مفکوره‌های



انتشار اثر جدیدی را که حاوی داستان مختصر
تاریخی استیفاء همالک محروسه - وند کاری از
جان نثارهای مردان نامی اذوار گذشته - و یاد
کاری از انصاف و زارت ها لیه کشور عزیز
افغانستان است در محضر مطالعه ذوق مند ان
تاریخ عرفانی وطن تقدیم داشته و افتخار کار
نامه های متصدیان دیوان اعلی مملکت را که
تازه به طبع و نشر میرسد برا و باب قلم و وار ثان
معنوی ایشان تبریک میگوئیم و بر ارواح پاک
بزرگترین شخصیت های قلم و شمشیر تحیت می
فرستیم. عزیزالدین

وان آتار نا تدل علينا فانظروا بعدنا الى الآتار

از انتشارات جریده شرف حضرت ملیات

برج اسد ۱۳۳۴ ش

طبع مطبعة عمومی کابل